

بررسی وضعیت توسعه اجتماعی در استان‌های کشور

دکتر مهدی مبارکی^۱، دکتر زهره شهبازی^۲ و نجمه سادات مصطفوی^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۳

چکیده:

پیچیدگی و قضاوت‌های ارزشی در توسعه اجتماعی موجب شده الگوی آن میان صاحب‌نظران غامض و در بسیاری از مواقع مخدوش جلوه کند. خلاء نشانگرهای معتبر و مورد اجماع، رصد روند توسعه اجتماعی کشور را سخت و غیر ممکن کرده است. گذشته از این، مناقشه بر سر دلایل انتخاب شاخص‌های معرف آن هم وجود دارد. فقدان تعریف، شاخص‌های قابل اجماع برای شناخت وضعیت در سری‌های زمانی، عملی نشدن ارزیابی برنامه‌ها و عملکردهای نهادها و ارگان‌های متولی را به مسئله و چالش پیشروی حوزه توسعه اجتماعی بدل نموده است. بنابراین موضوع این مقاله دستیابی به تعریف و وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی با توجه به ویژگی‌های ساختاری کشور ایران است. با در نظر گرفتن شرایط بومی جامعه، تعریف و شاخص‌هایی برای سنجش توسعه اجتماعی در نظر گرفته شد که ضمن قرابت با شاخص‌های بین‌المللی، امکان مقایسه‌پذیری در سطوح استانی، ملی و بین‌المللی را ممکن و با خصلت تکاملی، امکان رفع نواقص موجود را فراهم نماید. روش این مطالعه ترکیبی از نوع اکتشافی، دسته توسعه ابزار از نوع‌شناسی کراسول و پلانو-کلارک است. ابتدا با تکنیک فراترکیب در الگوی نوبلت و هیر اسناد، گزارشات بین‌المللی و ملی توسعه اجتماعی بررسی، طبقه‌بندی و با اجرای تکنیک دلفی اعتبارسنجی گردید. سپس با طی مراحل شاخص‌سازی، ۱۰۷ شاخص به دست آمد که هر یک از آنها با روش تحلیل ثانویه در تمامی استان‌های کشور سنجش و اندازه‌گیری گردید. طبق نتایج میانگین ۱۹ استان، پایین‌تر از میانگین کشوری است. فاصله بین استان‌های بالا و پایین از نظر میانگین توسعه اجتماعی قابل توجه و الگوی توسعه اجتماعی در ایران ماکروسفالی است.

مفاهیم کلیدی: توسعه اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی

^۱ عضو هیات علمی گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی، اراک، ایران mobaraki@acecr.ac.ir

^۲ عضو هیات علمی گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)
shahbazi@acecr.ac.ir

^۳ دانشجو دکتری و عضو گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی، اراک، ایران mostafavi@acecr.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

توسعه اجتماعی به مثابه یک حوزه میان‌بخشی و میان‌رشته‌ای در جستجوی بهزیستی مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه (Estes, 2001) تعریف می‌شود، در واقع بعدی از مفهوم توسعه پایدار است که بر کنش‌ها و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی تأکید می‌ورزد و بر آنها تمرکز می‌کند (Rennie, 2001). بازخوانی و واکاوی نظریه‌های توسعه نشان می‌دهد که نظریه‌های پیشگام با ساده‌اندیشی و کوچک گرفتن ابعاد بسیار پیچیده توسعه، آن را در رشد و توسعه اقتصادی خلاصه نموده و با طرح نظراتی همچون رخنه به پایین، از توجه ابعاد اجتماعی غفلت و یا نهایتاً آن را در رویکرد پسماندی مورد نظر قرار دادند. اما جهانی‌شدن، اقتصاد نوین، چرخش فرهنگی، نقد مدل انسان اقتصادی و تأکید بر انگیزه‌های فرهنگی و اجتماعی (Ghaneei Rad, 1995)، سبب گردید که از دهه ۱۹۷۰ به بعد، نگرستن به توسعه اجتماعی، به‌عنوان بعد اساسی توسعه پایدار، در بین صاحب‌نظران حوزه توسعه مطرح و اذعان شود که توسعه اجتماعی به‌صورت خود به خودی قابل تحقق نیست و درست مانند توسعه اقتصادی نیازمند اندیشه، نظریه و برنامه می‌باشد.

علیرغم این چرخش نظری و عملی در گفتمان توسعه با تأکید بر نقش ابعاد اجتماعی، متأسفانه مفهوم توسعه اجتماعی از جایگاه عملی و بایسته‌ای در نظام برنامه‌ریزی و توسعه کشور برخوردار نبوده و یا حداکثر به‌عنوان مقوله‌ای در حاشیه دیگر ابعاد توسعه، علی‌الخصوص توسعه اقتصادی، زیرساختی و صنعتی مورد ملاحظه قرار گرفته است به دلیل همین رویکرد در سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای کشور، رتبه ایران در بین کشورهای جهان از حیث وضعیت اجتماعی مطلوب نمی‌باشد. چنانکه بر اساس نتایج گزارش سال ۲۰۱۵ سازمان پیشرفت اجتماعی سازمان ملل^۱ ایران در بین ۱۳۳ کشور با رتبه ۵۶.۸۲ برای میزان پیشرفت اجتماعی (با در نظر گرفتن سه بعد نیازهای اساسی، بنیان‌های تندرستی و بهزیستی و فرصت‌ها) جزء کشورهای با سطح متوسط رو به پایین^۲ پیشرفت قرار گرفته است (Eportner, Scott Stern, Michael Green, 2015:14, 15).

از سوی دیگر مفهوم توسعه اجتماعی در گفتمان علوم اجتماعی ایرانی به لحاظ مفهومی و نظری، از وضوح و روشنایی چندانی برخوردار نمی‌باشد. با بررسی منابع و آثار علمی و پژوهشی داخلی در این زمینه، غالب آنها فرموله نشده، ناقص و بیشتر توجیه‌کننده اطلاعات موجود، با نتایجی با روایی و اعتبار نامشخص است، که پژوهشگر و خواننده با این مسئله روبرو

^۱ word social situation report

^۲ lower middle social progress

می‌شود که گویی توسعه اجتماعی در جامعه ما به ازای خارجی ندارد تا بتوان مصداقی عینی و واقعی از این مفهوم را در جامعه سراغ گرفت. بخشی از این نارسایی برخاسته از پیچیدگی این مفهوم و وزن بالای قضاوت‌های ارزشی در این بعد از توسعه می‌باشد، که موجب شده توسعه اجتماعی و الگوهای آن و همچنین اولویت‌ها، در این بعد از توسعه پایدار، غامض و غیر متفاهم (در میان صاحب‌نظران) و در بسیاری از مواقع محدودش جلوه کند. بطوری که حتی در سطح عملی، رصد میزان تحولات در روند توسعه اجتماعی کشور، به دلیل خلاء نشانگرهای عملیاتی معتبر و مورد اجماع جامعه علمی، کاری سخت و گاهاً غیر ممکن کرده است، چرا که گذشته از چالش‌های مفهومی و تئوریک، مناقشه بر سر دلایل انتخاب ابعاد گوناگون مفهوم توسعه اجتماعی وجود دارد ((Kalantari, 2014); (Lashkari, 1998); (Nazari, 1998); (Bokharaei, 2001); (Shamdani Hagh, 2001); (Riahi, 2001); (Akbari, 1999); (Esmaeili, 2006); (Firouzabadi & et. al, 2010); (Azadarmaki & et. al, 2011); (Ghafari & Omid, 2008); (Piran, 2005) و ...).

این در حالی است که در بسیاری از گزارش‌های معتبر جهانی در خصوص وضعیت توسعه اجتماعی، به دلیل نقص یا فقدان اطلاعات معتبر، رتبه ایران مبهم و بعضاً غیر قابل مقایسه می‌باشد (Davsi, 2004). نکته مهم آن است که امروزه برای برآورد شاخص توسعه اجتماعی در سطح دنیا، از شاخص‌های استاندارد و بر اساس نیازها و شرایط (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ...) مناطق در قالب مؤلفه‌های عینی و ذهنی استفاده می‌شود. فقدان تعریف علمی مشخص از مفهوم توسعه اجتماعی و پیامد آن عدم توافق در انتخاب شاخص‌های معتبر با ویژگی‌های برای شناخت از وضعیت اولیه به جهت تدوین استراتژی اقدام توسعه اجتماعی (برآمده از ایده‌های نظری متناسب با نیازها، شرایط و سیاست‌های کلان کشور) از مسائل و چالش‌های این زمینه می‌باشد. چرا که شاخص‌های معتبر امکان قضاوت کردن و سنجش عملکرد نظام برنامه‌ریزی و توسعه را میسر می‌سازد. بنابراین نتایج نه چندان چشمگیر چند دهه برنامه‌ریزی در کشور و در زمینه توسعه اجتماعی، ضرورت تجدید نظر در استراتژی‌ها، اهداف، برنامه‌ها و روش‌های دستیابی به آن را دو چندان می‌نماید. در این راستا مقاله حاضر در پاسخ به سؤالات زیر فرموله شده است.

چه تعریف قابل اجماعی از مفهوم توسعه اجتماعی در ایران می‌توان به دست آورد؟ چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی با توجه به شرایط (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) کشور در جهت ارزیابی توسعه اجتماعی قابل بررسی است؟ و بر این اساس وضعیت هر یک از این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به تفکیک استان‌های کشور چگونه است؟

مبانی نظری، مروری بر تحقیقات پیشین (تحقیقات داخلی و خارجی)

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که توسعه و پیشرفت کشور در قالب الگوها و برنامه‌های مشخص رایج گردید، در این تغییر چندان نشانی از توسعه اجتماعی وجود نداشت. در این زمان توسعه بیشتر با نگاه اقتصادی و به مثابه رشد ناخالص ملی برای رشد بهبود زندگی مردم شناخته می‌شد. اما به مرور و پس از تجربه نوسازی مشخص شد که صرفاً رشد اقتصادی زندگی مردم را بهبود نمی‌دهد. بنابراین نگاه مکانیکی، یک جانبه و پوزتویستی به توسعه مورد انتقادات جدی قرار گرفت، از جمله انتقادات عمده این است که اولاً) سرمایه‌گذاری در صنعت به خودی خود افزایش اشتغال را به دنبال ندارد. دوم) سوگیری شهری آن که دولت‌ها از طریق اتخاذ استراتژی توسعه صنعتی شهرمحور جمعیت نواحی روستایی را نادیده می‌گیرند. سوم) وجود نابرابری جنسیتی در اشتغال صنعتی، چهارم) تخریب محیط زیستی ناشی از صنعتی شدن که منابع طبیعی بدون توجه به نیازهای نسل آتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند (Mijeli, 2019).

طرح این انتقادات از الگوی توسعه همچنین تحت تأثیر عواملی همچون؛ جهانی‌شدن، رشد اقتصاد نوین جهانی، تضعیف دولت رفاه، پیدایش چرخش فرهنگی، نقد مدل انسان اقتصادی و تأکید بر انگیزه‌های فرهنگی و اجتماعی در جهان مفهوم توسعه اجتماعی طرح‌ریزی شد. می‌توان از دو دسته عوامل ساختاری و تأثیرات کنشگران به مثابه عوامل عینی و ذهنی به‌عنوان عوامل مؤثر بر تکوین رویکرد توسعه اجتماعی نام برد. علل ساختاری شامل عوامل اقتصادی، تکنولوژیک و سیاسی و گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی، نقش جنبش‌های اجتماعی جدید، سیاست‌های سازمان‌های جهانی در چارچوب تأثیرات کنشگران قرار می‌گیرد (Ghaneei Rad, 1995). بنابراین می‌توان سیر تاریخی تکوین پایه‌های نظری در مفهوم توسعه اجتماعی بر اساس تغییر مفهوم مدرنیزاسیون از معنای رشد و صنعتی‌شدن به فرایندهای چندبعدی اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و سیاسی در نزد اندیشمندان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی همچون *Robert Bellah*, *Max Weber*, *Karl Marx*, *Daniel Lerner*, *Barrington Moore*, *Eisenstad*, *Parsons*, *Glifford Geertz*, *Jorgen Habermas*, *Hygen*, *Rogers*, *MacLean*, *Inkles*, *Smith* و بسیار دیگر نام برد (Mobaraki, et. al, 2019).

برای اولین بار در علوم اجتماعی، جامعه‌شناس تکاملی به نام *Hob House* (1942) متأثر از بررسی‌های داروین، عنوان توسعه اجتماعی را مطرح کرد. وی در کتابش با عنوان "توسعه اجتماعی"، اساس تفکرات بعدی در این زمینه را ایجاد کرد. هاب هاوس در کتابش،

ضمن نقد دارونیست‌های اجتماعی، مفهوم اصلاحات اجتماعی را که ناظر به بهبود آثار نامطلوب و ناگوار تغییرات اجتماعی در افراد آسیب‌پذیر است، ارائه کرد (Mijeli, 2019:7).

در تعریف توسعه اجتماعی بر اساس عاملیت اجتماعات محلی یا محوریت دولت دو دسته رهیافت قابل ردیابی است، دسته اول تعاریفی که توسعه اجتماعی را با فعالیت‌های اجتماع‌محور و گروه‌های فعال‌گرا و افزایش رفاه از این طریق تعریف می‌کنند، به همین دلیل این دسته از تعاریف، به مواردی نظیر ارزش‌های انسانی، فعال‌گرایی مدنی و مفاهیمی همچون مشارکت تأکید عمده دارند. تعریف پایوا (Paiva, 1977)؛ توسعه ظرفیت مردم برای اینکه به‌طور پیوسته و مداوم در راستای رفاه خود و جامعه کار و تلاش کنند. اومر (Omer, 1979)؛ ایجاد جوامع انسانی که متعهد در دستیابی به صلح جهانی و پیشرفت برای همه مردم است، اسپالتر و سین (Aspalter & Singh, 2008)؛ تغییری که مردم را قادر می‌سازد تا با شادی‌ها، حس رضایت‌مندی و زندگی مسالمت‌آمیز بیشتری دست یابند، تعاریفی هستند که در دسته اول جای می‌گیرند. البته به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، این تعاریف ناملموس، به دلیل اهداف انتزاعی، ارزش عملی کمی دارند (Mijeli, 2018:9)؛ همچنین تعاریف کمتر انتزاعی مددکاران اجتماعی نظیر هالیستر (Holister, 1977) و اسپرگل (Spergel, 1978)، که توسعه اجتماعی را با سازمان‌های اجتماع‌محور، تجزیه و تحلیل سیاست و مدیریت برنامه یکسان می‌دانند، میاح (Miah, 2008)، که بر نقش کسب و کارهای خرد و وام‌های کوچک تأکید دارد، جنبه‌های عملی توسعه اجتماعی را پررنگ نموده‌اند و بر مشارکت مردم محلی برای بهبود شرایط تأکید دارند. "در حالت کلی رویکرد مشارکت اجتماع‌محور مدعی است که تغییرات اجتماعی از طریق به چالش کشیدن ساختارهای اجتماعی تداوم‌دهنده فقر و نابرابری توسط مردم عادی اتفاق می‌افتد، پس در این رهیافت، فعال‌گرایی مدنی، سازمان‌های غیر دولتی و جنبش‌های اجتماعی حائز اهمیت هستند (Mijeli, 2018:12-13).

دسته دوم تعاریف برخلاف دسته اول، با تأکید بر نقش دولت، توسعه اجتماعی را از طریق برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی قابل تحقق می‌داند. تعاریف جونز و پایدا (Pandey, 1981)، توسعه اجتماعی فرایندی که منجر به بهبود کیفیت زندگی مردم، توزیع عادلانه‌تر منابع و اقدامات ویژه‌ای برای گروه‌های حاشیه‌ای و اجتماعات می‌شود و آنها را قادر به حرکت به سوی جریان اصلی می‌کند، همچنین رویکرد میردال و سیرز (Myrdal, 1970; Seers, 1969) مبنی بر رویکرد یکپارچه و واحد از برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی متعلق به دسته تعاریف دولت‌گرا هستند؛ همچنین میجلی توسعه اجتماعی را فرایند تغییر اجتماعی برنامه‌ریزی شده در نظر می‌گیرد که ارتقای رفاه مردم را به‌عنوان یک کلیت در

درون فرایند چندوجهی و پویا در نظر دارد (Mijeli, 2018:24). در واقع تعاریف دولت‌گرا از توسعه اجتماعی مبنای عمل در سازمان‌های توسعه بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد (UN)^۱، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF)^۲، سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۳ و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)^۴ قرار گرفته است. اهداف توسعه هزاره که از تعهدات کشورهای عضو سازمان ملل متحد در اجلاس جهانی توسعه اجتماعی کپنهاگ (۱۹۹۵)، استخراج و به‌عنوان بیانیه در سال ۲۰۰۰ به کشورها اعلام گردید، نشان‌دهنده تعریف دولتی از توسعه اجتماعی است. البته این سازمان‌های بین‌المللی از پرداختن به مشکل نابرابری ساختاری و نیاز به سرمایه‌گذاری عمومی اجتناب کرده‌اند (Mijeli, 2018:). علیرغم تعدد تعاریف، بسیاری از متخصصان در اینکه توسعه اجتماعی دارای ویژگی‌هایی همچون فرایندی بودن، پیش‌رونده، چندوجهی، مداخله‌گرانه، مولدگرا، عام و معتقد به رفاه اجتماعی همه‌گیر است اجماع نظر دارند. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه اجتماعی تا حد زیادی یک مفهوم عملیاتی است و به همین دلیل نظریات مرتبط با آن زیاد برجسته و مشخص نمی‌باشد. به همین دلیل بعضی از پژوهشگران به دنبال تأکید بر نقش نظریه در فهم توسعه اجتماعی و برخی دیگر از دانش میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی برای مفهوم بخشی و تحلیل این مفهوم و مفروضات اصلی آن بهره می‌برند. با اینکه تحلیل‌های نظری توسعه اجتماعی با تمرکز بر مفهوم فرایند، بر سه مؤلفه کلیدی شناخت وضعیت اولیه^۵ (که تأکید این مطالعه بر آن بنا نهاده شده)، ترسیم اهداف^۶ و برنامه مداخله^۷ اتفاق نظر داشته، اما مفروضات پذیرفته شده و عام پیرامون آن همچون ترقی‌خواهی، دولت‌گرایی، پراگماتیسم، تأکید بر عاملیت انسانی، دیدگاه عام و جهان‌شمول و تأکید بر سرمایه‌گذاری اجتماعی، به شدت مورد مناقشه است (Mijeli, 2014:77).

در شناسایی وضعیت موجود یا اصطلاحاً وضعیت اولیه توسعه اجتماعی، موضع‌گیری‌های نظری صاحب‌نظران و کارگزاران، به شیوه‌های متفاوت با تعبیر گوناگونی همچون فقر^۸ و

¹ The united nations

² The united nations children's emergency fund

³ The international labour organization

⁴ The united nations development programme

⁵ the original condition

⁶ the goals

⁷ progress and intervention

⁸ poverty

محرومیت^۱ (World Bank, 1975) و توسعه‌نیافتگی^۲ (Frank, 1967) و توسعه تحریف شده^۳ (Mijeli, 2014) بیان شده است؛ با اینکه تعابیر و مشخصه‌های آنها کم و بیش به یک مفهوم اشاره دارند اما هر یک تفاسیر متفاوتی از ماهیت وضعیت اولیه را منعکس کرده‌اند. به‌عنوان مثال اختلاف نظر در این موضوع که آیا وضعیت اولیه در حقیقت به همان بدی است که کارگزاران توسعه اجتماعی به آن باور دارند یا خیر؟ همچنین برخی از صاحب‌نظران وضعیت اولیه توسعه اجتماعی را به گروه‌های مشخصی از مردم نسبت می‌دهند (Lewis, 1966)؛ در حالی که دیگران معتقدند که این موضوع باید با اشاره به ساختار گسترده اجتماعی یا حتی اتفاقات و روابط بین‌المللی (Rahnema & Bawtree, 1997)، ترسیم شود. به هر حال شکل قالب تفاسیر در زمینه توسعه اجتماعی، وضعیت اولیه را مرتبط با تنظیمات اجتماعی می‌دانند که گروه‌ها، اقشار و مناطقی را در شرایط محرومیت، نابرابری و تبعیض قرار می‌دهند. چنین تفسیری در حلقه‌های سیاست اجتماعی توسط تیموس (Titmuss, 1968)، به شهرت رسید و در رهیافتی مشابه پیرامون مطالعات توسعه، از سوی میردال (Myrdal, 1970; Seers, 1969; Griffin, 1974; Midgley, 1995)، پذیرفته شده است.

در این‌چنین تحلیل‌های ساختاری از وضعیت اولیه در قالب مفاهیمی همچون توسعه تحریف شده و توسعه نامتوازن، به جای آنکه فقر و محرومیت را در وضعیتی طبیعی و ایستا در نظر بگیرد بر نقش نیروهای اجتماعی سرکوبگر، که از مشارکت همه مردم یا گروهی از آنها در اجتماع جلوگیری می‌کنند و اجازه فهم توانایی‌های مردم را به آنها نمی‌دهد، تأکید می‌کرد. به‌طوری که میجلی معتقد است که نحوه ترتیبات ساختاری در اکثر کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته، موجب شده است تا منفعت فقط به ثروتمندان و نخبگان تعلق یابد. در چنین وضعیتی، درآمد و ثروت حاصل از رشد سریع اقتصادی به تعداد اندکی از افراد در طبقه متوسط می‌رسد و از سودرسانی به بخشی از جامعه و اکثریت افراد غفلت می‌شود (Midgley, 1995).

با مطرح شدن مفهوم توسعه اجتماعی در گفتمان توسعه، کارگزاران رسمی توسعه، مکاتب و صاحب‌نظران با رویکردهای مختلف، در سطح بین‌المللی، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی را در جهت شناخت از وضعیت اولیه توسعه اجتماعی، ترسیم اهداف و تدوین استراتژی‌های اقدام، متناسب با شرایط جامعه ارائه دهند. فارغ از مضامین مورد تأکید در هر رویکرد، برخی

¹ deprivation

² underdevelopment

³ distorted development

شاخص‌ها در تبیین توسعه اجتماعی وجود دارد که با شدت بیشتر و کمتر در همه رویکردها به آن توجه شده است. مفاهیم همچون رفاه اجتماعی، عدالت و برابری اجتماعی، کیفیت زندگی و مشارکت. چرا که در رویکردهای نظری و عملی متأخر توسعه اجتماعی، علاوه بر نقش نهادهای دولتی در پاسخگویی به نیازهای انسانی، توسعه ظرفیت‌های افراد، شبکه‌ها، جوامع و سازمان‌های غیر دولتی و خصوصی نیز مورد توجه قرار گرفته است (Migdely, 2014:75-96).

بر اساس فرامطالعه^۱ صورت گرفته این مطالعه (Mobaraki, Shahbazi, 2019) از مهم‌ترین اسناد، مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته مؤسسات، سازمان‌ها و دانشگاه‌ها در سطح بین‌المللی نظیر؛ گزارش‌های دوره‌ای مربوط به وضعیت اجتماعی توسط سازمان ملل^۲ و مؤسسه‌ها و شوراهای مرتبط با آن در سال‌های مختلف همچون مؤسسه تحقیقات اجتماعی (۲۰۱۶) و شورای اقتصادی و اجتماعی^۳، گزارش‌های بانک جهانی^۴، گزارش راهبردهای توسعه اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا، گزارش توسعه اجتماعی در اروپا و آسیای مرکزی^۵، مدل اندازه‌گیری سطح زندگی لهستان (Smith, 1979: 158). گزارش‌های دوره‌ای شاخص توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل (UNDP)، تعهدات ده‌گانه اجلاس سران برای توسعه اجتماعی (سند کپنهاگ)، تعهدات کنفرانس ژنو (UN, June 2000)، شبکه توسعه اجتماعی^۶، بانک جهانی (Davsi, 2004)، گزارش‌های شاخص پیشرفت اجتماعی (Eporter, 2015)، مربوط به سازمان غیر انتفاعی ضرورت پیشرفت اجتماعی^۷ (وابسته به دانشگاه هاروارد)، گزارش‌های شاخص توسعه اجتماعی (Indices of Social Development, 2010)، مربوط به مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی^۸ (وابسته به دانشگاه آراسموس هلند)، بیانیه آما - آتا آتا در مجمع بهداشت جهانی^۹ (HAF, 2000)، کتاب توسعه اجتماعی نظریه و اقدام (Migdely, 2014)، بررسی شاخص‌های انسانی و اجتماعی توسعه (Gay, 1962) و امثالهم و همچنین قوانین و اسناد ملی مرتبط با مفهوم توسعه اجتماعی نظیر؛ قانون اساسی، سند

¹ meta- study

² World Social Situation report (UN)

³ United Nations Economic and Social Council

⁴ World Bank

⁵ Social Development In Europe Ana Central Asia Region: Issues And Directions

⁶ Social Development Network

⁷ The Social Progress Imperative

⁸ international institute of social studies

⁹ Health For All By 2000

چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور (برنامه اول تا ششم)، مطالعات و پژوهش‌های داخلی صورت گرفته نظیر؛ نگاه خرد و کلان به توسعه اجتماعی (Bokharaei, 1991) نسبت توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی (Momeni, 1998)، وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی (Akbari, 1988)، توسعه اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی امروزی (Abdollahi, 1989)، وضعیت فعلی شاخص‌های اجتماعی در روستاهای ایران (Riahi, 2001)، سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (Piran, 2001)، شناسایی شاخص‌های رفاه اجتماعی (Lashkari, 1998)، توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان (Fazeli & et. al, 2013)، شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی (Firouzabadi & et. al, 2010)، مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی (Kalantari, 2001)، شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی با تأکید بر روش دلفی (Azadarmaki & et. al, 2011)، کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی (Ghafari & Omid, 1998)، توسعه اجتماعی چشم‌انداز جهانی و وضعیت ایران (Kalantari, 2014)، توسعه اجتماعی مفهوم‌شناسی و سنجش (Madani, 2015)، فقر، آسیب‌پذیری و توسعه اجتماعی با تأکید بر جامعه روستایی ایران (Azkia, 2001)، بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در استان اصفهان (Esmaeili, 1996)، توسعه اجتماعی: از وبر تا هابرماس (Hariri Akbari, 2002)، ابعاد روش‌شناختی توسعه اجتماعی (Shamdani Hagh, 2001)، بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران از برنامه اول تا پنجم (Alizad, 2015)، مفهوم توسعه اجتماعی (Abdollahi, 2005)، توسعه اجتماعی در یک نگاه، رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران (Ghanei Rad, 2005)، بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در شهرستان‌های استان مرکزی (Mobaraki & Shahbazi, 2013-2014)، تحلیل سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه از منظر اجتماعی (Mohammadlou & Jafarzadeh, 2016)، وضعیت ایران در گزارش شاخص پیشرفت اجتماعی ۲۰۱۶-۲۰۱۴ (Iranian Students' Opinion Survey Center, 2016)، ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه (Mousavi & et. al, 2016)، سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی در ایران (Nili, 2011) و ... با توجه به ویژگی‌های رویکردهای نظری موجود از مفهوم توسعه اجتماعی (جدول ۱)، طبق تکنیک فراترکیب که شرح آن در بخش روش‌شناسی آورده شده است، تحلیل محتوای منابع موجود در قالب سه دسته گزارشات سازمان‌های بین‌المللی، پژوهش‌های خارجی و داخلی انجام شد. نتایج این بررسی نشان داد، توسعه اجتماعی مفهومی چندبعدی

است که علاوه بر ابعاد ذهنی که معرف توسعه ظرفیت شهروندان برای کار در جهت رفاه می‌باشد، شامل ابعاد عینی توسعه رفح نیازهای بشری در تمامی سطوح نیز می‌شود و فروکاستن این مفهوم (در وجه نظر یا در وجه عمل) به یکی از این ابعاد بسندگی محتوایی آن را با مشکل مواجه می‌سازد.

جدول ۱: ویژگی‌های رویکردهای نظری به توسعه اجتماعی

Table 1: Characteristics of Theoretical Approaches to Social Development

تعریف	هدف	راهبرد اصلی	موضوع	گرایش فلسفی	نام رویکرد
<i>Definition</i>	<i>Target</i>	<i>The Main Strategy</i>	<i>Issue</i>	<i>Philosophical Orientation</i>	<i>Name of the Approach</i>
ارتقا کیفیت سیستم اجتماعی	ارتقای سطح و کیفیت زندگی فرد و توجه به حقوق و ارزش‌های انسانی	استفاده خلاقانه از قدرت دولت در تخصیص منابع به نفع محرومان جامعه، بسیج سیاسی محرومان برای مطالبه منابع از جامعه، مشارکت مردم در فرایند توسعه	نیازهای اجتماعی و حیاتی	برخورداری از نیازهای اولیه به‌عنوان حق بشری	نیازهای اساسی
دانشی که به جامعه امکان می‌دهد تا از توانمندی‌های خود برای توسعه بهره جوید	برقراری نظم اجتماعی برای حصول به همبستگی اجتماعی	ساز و کارهایی که انرژی گروهی جامعه را هدایت و به فعالیت‌ها و اقدامات جدید تبدیل نماید	تغییر اجتماعی	توسعه جهان شمول با اصول مشترک	تکاملی
مداخله آگاهانه و تعمدی با استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور به وجود آوردن تغییرهای غیرتصادفی به سمت اهداف مطلوب	بسط، تعریض و تحکیم اجتماع جماعی	بازآفرینی نظام اجتماعی و توجه به ارزش‌ها و اولویت‌های جوامع از طریق ارائه خدمات در حوزه‌های افزایش اعتماد به نفس، اتکا به خود، حمایت و همکاری دوجانبه، تقویت پیوندهای سازمانی و نهادی زندگی اجتماعی افراد،	اداره نیروهای اجتماعی برای سازگاری با اقتصاد صنعتی و پسا صنعتی	توسعه اجتماعی یکی از حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی	کارکردگرا

تعریف	هدف	راهبرد اصلی	موضوع	گرایش فلسفی	نام رویکرد
<i>Definition</i>	<i>Target</i>	<i>The Main Strategy</i>	<i>Issue</i>	<i>Philosophical Orientation</i>	<i>Name of the Approach</i>
		گروه‌ها و اجتماعات محلی			
فرایند دگرگونی بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی	ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی، پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت با هدف بیشینه کردن عملکرد نظام اجتماعی در مسیر کاهش فقر، افزایش سطح درآمد، عادلانه‌تر بودن نظام توزیع	تلفیقی از سیاست‌گذاری گسترده و برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی از طریق تدوین سیاست اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی، مددکاری اجتماعی و ارزیابی برنامه‌ها	بیشینه کردن عملکرد نظام اجتماعی	تحقق آرمان‌های سه‌گانه توسعه اجتماعی ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران	ساختارگرا
فرایندی که طی آن ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دچار تغییر و تحولات بنیادی در راستای رفاه مردم می‌شود	ارتقای کیفیت زندگی	پاسخ به آثار منفی جهانی سازی از طریق همکاری‌های بین‌المللی	تأکید بر بیانیه و برنامه عمل سند کپنهاگ	رابطه تنگاتنگ توسعه اجتماعی و جهانی‌سازی	تلفیقی

(Source: Authors, taken from: Madani, 2014: 45-63)

در همین راستا برای دستیابی به چارچوب این مطالعه، با توجه به خصلت انباشتی و تکاملی بودن مطالعات در سطح بین‌المللی، می‌توان به دو مورد گزارش پیشرفت اجتماعی دانشگاه هاروارد (Eporter, 2015) و شاخص توسعه اجتماعی مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی (وابسته به بانک جهانی)، (Indices of Social Development, 2010) اشاره داشت که به دلیل تأخر زمانی و تطبیق بیشتر با شرایط روز، از بسندگی محتوایی و مفهومی بیشتری در قیاس با سایر مطالعات برخوردار می‌باشند. در شاخص پیشرفت اجتماعی، توسعه یا پیشرفت، به‌عنوان "طرفیت یک جامعه برای پاسخگویی به نیازهای اساسی شهروندان و ایجاد شرایطی برای افراد و سازمان‌ها که با استفاده از مهارت‌های خود کیفیت زندگی‌شان را

افزایش دهند^۱، تعریف شده که این شاخص از ترکیب سه بعد نیازهای اساسی انسانی^۱، بنیان‌های تندرستی و بهزیستی^۲، فرصت‌ها^۳ به دست آمده است. همچنین بنا بر بررسی‌های شاخص توسعه اجتماعی توسعه اجتماعی در مفهوم کلی آن نهادهای اجتماعی غیر رسمی هستند که افراد را قادر می‌سازند بهینه‌ترین استفاده را از مهارت‌ها و امکانات خود داشته تا کیفیت زندگی خود را ارتقاء دهند.

بر اساس این تعریف فعالیت‌های مدنی، انجمن‌ها و کانون‌ها، یکپارچگی درون‌گروهی، امنیت و اعتماد بین‌شخصی، برابری جنسیتی و مشارکت اقلیت‌ها به‌عنوان شاخص‌های معرف توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

با تأمل و مذاقه در تعاریف و شاخص‌های متناظر با آن، مشخص می‌شود که این طرح‌ها نیز نتوانسته‌اند آنچه را که در وجه نظری به‌عنوان توسعه اجتماعی تعریف نموده، به تجربه درآوردند و شاخص‌های بسنده‌ای را برای تعریف مدنظر خویش ارائه دهند. برای نمونه علیرغم اینکه در تعریف ارائه شده از سوی "مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی" به درستی یک نگاه همه‌جانبه‌گر وجود دارد اما در سطح تجربی دچار تقلیل‌گرایی شده و تفوق کم و بیش مؤلفه‌های ذهنی‌تر توسعه اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی بدون لحاظ سایر مفاهیم کلیدی آن در بخش مؤلفه‌های عینی‌تر همچون عدالت و کیفیت زندگی مشهود است و با تعیین این شاخص‌ها عملاً نتوانسته آنچه در تعریف مدنظر بوده است را پوشش دهد. از سوی دیگر شاخص پیشرفت اجتماعی نیز تقریباً دارای همین نقص بوده و در شاخص‌های ارائه شده معرف توسعه اجتماعی تفوق با مفهوم "نیازهای اساسی" و رویکرد تأمین نیازهاست و سایر مفاهیم در سایه آن قرار گرفته و به گونه‌ای مغفول مانده‌اند.

در این مطالعه با در نظر گرفتن شریط بومی جامعه، تعریف و شاخص‌هایی برای سنجش توسعه اجتماعی در نظر گرفته شد که ضمن قرابت با شاخص‌های بین‌المللی، امکان مقایسه‌پذیری در سطوح استانی، ملی و بین‌المللی را ممکن ساخته و همچنین با خصلت تکاملی خویش، امکان رفع نواقص برشمرده شده را فراهم نماید.

بر این اساس در این مطالعه توسعه اجتماعی در قالب زیر تعریف شده است: "ارتقاء ظرفیت جامعه از درون فرایند چندوجهی برنامه‌ریزی شده که ضمن پاسخگویی به نیاز افراد در

¹ basic human needs

² foundations of well-being

³ opportunity

بستری امن و عادلانه از امکانات و خدمات، آنها را قادر می‌سازد تا با استفاده از ارزش‌ها و مهارت‌های خود، کیفیت زندگی‌شان را ارتقاء دهند".

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این مطالعه روش ترکیبی^۱ از نوع اکتشافی^۲، دسته توسعه ابزار از نوع‌شناسی کراسول و پلانو - کلارک است (Creswell, 2007:85). در این نوع، نتایج روش نخست (کیفی) به نتایج و تحلیل روش دوم (کمی) کمک می‌کند، در واقع محقق ابزار کمی را بر اساس یافته‌های کیفی توسعه داده یا کامل می‌کند. بر این اساس ابتدا با استفاده از تکنیک فراترکیب^۳ در الگوی Noblit & Hare اسناد، منابع، متون، گزارشات و مطالعات بین‌المللی و ملی در حوزه توسعه اجتماعی بررسی و طبقه‌بندی شد. این الگو متشکل از سه مرحله؛ انتخاب پژوهش‌ها، ترکیب پژوهش‌ها و ارائه ترکیب است. به‌طوری که مرحله انتخاب پژوهش‌ها شامل؛ انتخاب مطالعات بر اساس جستجوی سیستماتیک و گزینش نهایی، مرحله ترکیب پژوهش‌ها شامل؛ ترکیب ترجمه‌ها و مطالعات بر اساس شباهت‌ها و اختلافات به صورت تحلیل تم، و در نهایت مرحله ارائه ترکیب شامل؛ ارائه تلفیقی یافته‌ها در دسته‌بندی گروهی می‌شود (Noblit & Hare, 1998).

به این ترتیب، تعریف اولیه مفهوم توسعه اجتماعی و ابعاد متشکله آن به دست آمد که این تعریف با اجرای تکنیک دلفی^۴ در بین ۳۰ نفر از صاحب‌نظران آکادمیک و متولیان اجرایی حوزه توسعه اجتماعی اعتبارسنجی شد و برای آن شاخص اجماع، اهمیت و اولویت به دست آمد (Mobaraki & Shahbazi, 2019). در جدول ۲ نتایج دلفی آورده شده است.

¹ mix methods

² exploratory

³ meta- synthesis

⁴ delphi technique

جدول ۲: شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت بدست آمده از تکنیک دلفی برای هر یک از ابعاد و خرده ابعاد توسعه اجتماعی

Table 2: Consensus, Importance and Priority Indices Obtained From the Delphi Technique for Each of the Dimensions and Sub-Dimensions of Social Development

اولویت	اهمیت	اجماع	خرده ابعاد	بعد	
Priority	Importance	Consensus	Sub-Dimensions	Dimension	
۹۱/۵	۹۰	۱/۷	اعتماد	سرمایه اجتماعی	
۹۰/۵	۹۰/۵	۱/۷	مشارکت اجتماعی		
۹۰	۸۷/۵	۱/۶	مسئولیت‌پذیری		
۹۰	۸۵/۵	۱/۶	قانون‌گرایی		
۸۹/۵	۸۶/۵	۱/۷	فرهنگ کار		
۹۰/۵	۸۷	۱/۷	شایسته‌سالاری		
۸۹	۸۶	۱/۶	همدلی		
۹۰/۵	۹۰/۵	۱/۸	دسترسی به خدمات و امکانات آموزشی	عدالت اجتماعی	
۸۹/۵	۹۱/۵	۱/۷	دسترسی به امکانات بهداشتی، سلامت و ایمنی		
۸۷/۵	۸۸/۵	۱/۶	دسترسی به زیرساخت‌ها و امکانات فرهنگی		
۹۰	۸۹/۵	۱/۷	بهداشت و سلامت	شاخص عینی	کیفیت زندگی
۹۰/۵	۹۰/۵	۱/۷	بیمه و تأمین اجتماعی		
۸۸/۵	۸۸/۵	۱/۶	بهره‌مندی از خدمات زیرساختی		
۸۷	۸۷/۵	۱/۶	شاخص فعالیت فرهنگی		
۹۰	۹۰	۱/۷	آموزش و تحصیلات		
۹۰/۵	۹۰	۱/۸	کار و اشتغال		
۸۶	۸۶/۵	۱/۵	شاخص‌های جمعیتی		
۹۰/۵	۹۱	۱/۷	رضایت‌مندی از زندگی		
۸۹/۵	۸۸/۵	۱/۶	امنیت عینی (آسیب‌های اجتماعی)	امنیت اجتماعی	
۸۹/۵	۹۰/۵	۱/۷	احساس امنیت		
منبع: نگارندگان					

سپس در فاز دوم مطالعه، از روش تحلیل ثانویه^۱ برای سنجش و اندازه‌گیری توسعه اجتماعی و ابعاد آن در تمامی استان‌های کشور استفاده شد. در این مطالعه هیچ داده‌ای به‌طور مستقیم تولید نشده، بلکه مجموعه‌ای از مطالعات اولیه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته

^۱ secondary analysis

است. با توجه به ماهیت ابعاد توسعه اجتماعی دو دسته؛ منابع مربوط به شاخص‌های عملی یا واقعی^۱ و منابع مربوط به شاخص‌های ادراکی^۲ استفاده شده است. "شاخص‌های عملی یا واقعی شاخص‌هایی هستند که متغیرهای تشکیل‌دهنده آنها به‌طور مستقیم از نهادهای اجتماعی مربوطه اندازه‌گیری شده است. اما شاخص‌های ادراکی بر خلاف شاخص‌های واقعی از ارزیابی‌ها، نگرش‌سنجی‌ها و نظرسنجی‌های مختلف انجام شده به‌دست می‌آیند. ارجحیت و مزیت شاخص‌های واقعی در این است که نسبت به تغییرات شرایط اجتماعی حساس بوده و تغییرات آنها تنها تحت شعاع تغییرات ادراکی مستقل از تحولات و تغییرات اجتماعی نیست. هر چند به سبب دشواری اندازه‌گیری مستقیم برخی هنجارها و ارزش‌ها استفاده از شاخص‌های ادراکی برای تکمیل داده‌ها ضروری به نظر می‌رسید (Roberto & Jeffery, 2016). اطلاعات شاخص‌های واقعی که فراوانی بیشتری نسبت به شاخص‌های ادراکی داشته‌اند از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ همچنین بر حسب مورد از اطلاعات مراجع، نهادها و مؤسسات علمی و پژوهشی نظیر (مرکز آمار ایران، وزارت بهداشت و درمان، سازمان ثبت احوال، سازمان تأمین اجتماعی، بهزیستی، وزارت راه و شهرسازی، سازمان اجتماعی کشور، کمیته امداد، وزارت ارتباطات، آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت راه و شهرسازی، نیروی انتظامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ...) به‌دست آمد. چون این نوع داده‌ها از تمامی افراد جامعه ایران طی تمام‌شماری به‌دست آمده، نتایج این مطالعه قادر است برآورد قابل اعتمادی از جمعیت و ویژگی‌های آن بر حسب سن، جنس و سایر مشخصات جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای ارائه نماید.

منبع دستیابی به شاخص‌های ادراکی نیز، نتایج و اطلاعات مربوط به طرح‌های پژوهشی ملی معتبر نظیر پیمایش‌های ملی سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و اخلاق و ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان که در راستای اهداف این مطالعه بوده است.

لازم به ذکر است فرایند شاخص‌سازی با چالش‌های متدلوژیک از جمله؛ تعداد بالای متغیرها و یافتن ساختار ارتباطی بین متغیرها، ناهمسانی واحد سنجش شاخص‌ها، اهمیت نسبی یا وزن متفاوت شاخص‌ها، هم‌جهت نبودن برخی شاخص‌ها، برابر شدن واریانس برای کلیه متغیرها، محاسبه وزن منفی برای برخی شاخص‌ها مواجه بود که هر یک از این چالش‌ها

¹ actionable indicators

² perception- based indicators

با تکنیک مناسب نظیر؛ تقسیم بر میانگین^۱ برای رفع اختلاف مقیاس^۲ و تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۳ برای وزن‌دهی و ترکیب شاخص‌ها، رفع گردید. باید توجه داشت که در تجزیه و تحلیل شاخص‌های چندگانه، اندازه‌گیری و شناخت ساختارهای پیچیده، شاخص‌سازی و کاهش داده‌ها معمولاً از روش تحلیل عاملی^۴ یا تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود، که در این مطالعه جهت تبیین هر چه بیشتر واریانس‌ها، بررسی واریانس کل مجموعه داده‌ها، کاهش تا حد امکان متغیرها و در نظر گرفتن این مهم که لزوماً بین متغیرها، شاخص‌ها و ابعاد مورد نظر برای توسعه اجتماعی رابطه علی و یک سویه وجود ندارد، روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی انتخاب شد (وزن‌های به‌دست آمده بر این اساس برای هر یک از ابعاد در بخش یافته‌ها قابل مشاهده است).

با اخذ این تصمیمات روش‌شناختی، مراحل شاخص‌سازی به‌صورت دقیق برای هر یک از شاخص‌ها انجام شد. برای تفهیم بهتر مراحل اجرای فرایند شاخص‌سازی به صورت فهرست‌وار در زیر آورده شده است:

۱. جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیرها از طریق منابع مربوطه و تشکیل پایگاه داده طرح.
 ۲. تبدیل متغیرها به شاخص‌ها از طریق تقسیم هر یک از متغیرها به یک مخرج مناسب که در نهایت ۱۰۷ شاخص در قالب ۴ بعد، ۱۶ خرده بعد (شاخص ترکیبی) به‌دست آمد.
 ۳. تبدیل شاخص‌های با جهت منفی از طریق کسر از یک عدد ثابت به شاخص مثبت.
 ۴. رفع اختلاف مقیاس از شاخص‌ها با استفاده از روش تقسیم بر میانگین^۵ (\bar{x}).
- $$X_t = X / \bar{x}$$
۵. محاسبه ضریب اهمیت شاخص‌ها در هر شاخص ترکیبی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۶.

برای مثال شاخص ترکیبی فرهنگ کار که از سه شاخص رعایت وقت‌شناسی در حین کار، رعایت قانون و مقررات در حین کار و رعایت وجدان کاری در حین کار ایجاد شده است، پس از انجام روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی در نرم‌افزار SPSS وزن‌هایی (Wi) به ترتیب برابر

¹ Division by Mean

² Elimination Method

³ Principal component analysis

⁴ Factor analysis

⁵ Division by mean

⁶ Principal Component Method

۰/۹۵۰، ۰/۹۷۱ و ۰/۹۴۹ بدست آمد. در ادامه امتیاز رفع اختلاف مقیاس شده (X_t) حاصل از مرحله قبل برای هر شاخص و در هر استان در وزن به دست آمده آن شاخص ضرب شد. سپس شاخص‌های رفع اختلاف مقیاس شده موزون به دست آمده از طی مراحل قبل را با یکدیگر جمع کرده بر تعدادشان (n) تقسیم کرده و به این ترتیب شاخص ترکیبی (Y_i) در هر بعد به دست آمد.

$$X_y = X_t * W_i$$

$$Y_i = \sum X_y / n$$

۶. در این مرحله وزن شاخص‌های ترکیبی (WY) در هر یک از ابعاد مجدداً از روش تحلیل مولفه‌های اصلی در نرم افزار *SPSS* محاسبه می‌شود. همانند مرحله قبل، امتیازات شاخص‌های ترکیبی در هر بعد را در وزن به دست آمده آنها ضرب شده، با هم جمع و بر تعدادشان تقسیم می‌گردد، اعداد به دست آمده از این مرحله، امتیازات هر استان در بعدهای مذکور (Z_i) است.

$$Y_t = Y_i * W_y$$

$$Z_i = \sum Y_t / n$$

۷. با تکرار همین مراحل برای ابعاد، وزن هر یک از ابعاد (We) در نرم افزار *SPSS* و از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و تدقیق توسط پنل تخصصی صاحب‌نظران بدست آمده و در امتیازات به دست آمده از هر بعد (Z_i) در مرحله قبل ضرب شد. در نهایت امتیاز توسعه اجتماعی هر استان از طریق جمع امتیازات وزن‌دار شده هر بعد محاسبه شد.

$$Z_t = Z_i * W_e$$

$$Score_{SD} = \sum Z_t$$

۸. به منظور درک بهتر وضعیت توسعه اجتماعی در استان‌ها، امتیازات محاسبه شده برای استان‌ها ($Score_{SD}$) از طریق فرمول زیر در بازه ۰ تا ۱ استاندارد شد. بر این اساس دسته‌بندی استان‌ها از نظر سطح توسعه اجتماعی صورت پذیرفت.

$$X = (X_t - X_{min}) / (X_{max} - X_{min})$$

۹. در نهایت امتیاز هر یک از شاخص‌ها به تفکیک استان‌ها در سیستم اطلاعات جغرافیایی (*GIS*) به داده‌های مکانی تبدیل و نقشه‌های خروجی آن ترسیم گردید.

۱۰. در ادامه برای تحلیل دقیق‌تر از نقشه‌های تحلیل فضایی بهره گرفته شد که به منظور استخراج نقشه‌های مذکور روش درون‌یابی مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری کلیه استان‌های کشور بوده است.

یافته‌های پژوهش

مطابق با مطالعات صورت گرفته و نتایج حاصل از آن در مطالعه حاضر، توسعه اجتماعی به مثابه "ارتقا کیفیت سیستم اجتماعی (اجتماع جامعی) از درون فرآیند چندوجهی برنامه‌ریزی شده با استقرار عدالت اجتماعی، نهادینه کردن اخلاق توسعه، بهبود کیفیت زندگی و افزایش امنیت اجتماعی در بستر هنجارها و شبکه‌های غیر رسمی" تعریف شده است. بر این اساس ابعاد اصلی توسعه اجتماعی شامل کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در نظر گرفته شد که در ادامه با توجه به شاخص‌های معرف هر یک از این ابعاد، وضعیت استان‌های کشور در آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی به مثابه نتایج سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در جهت ارتقاء زندگی عمومی افراد و برخورداری از رضایت زندگی بالاتر است. در این مطالعه، کیفیت زندگی چارچوبی با تلفیق عوامل عینی و ذهنی در نظر گرفته شد که امکان تحلیل و ارزیابی عملکرد برنامه‌ها در کنار نگرش‌های عاملین فراهم باشد. اجزای مدل عملیاتی کیفیت زندگی شامل: شاخص عینی کیفیت زندگی: شاخص‌های جمعیتی، آموزش و تحصیلات، کار و اشتغال، بهداشت و سلامت، بیمه و تأمین اجتماعی.

شاخص‌های فعالیت فرهنگی، مسکن و خدمات زیرساختی و شاخص ذهنی: رضایت‌مندی از زندگی خانوادگی، وضع سلامت، وضع مالی، وضع مسکن، محل سکونت، شهر/روستای محل زندگی و وضع شغلی بوده است، که پس از رفع اختلاف مقیاس و وزن‌دار شدن با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با یکدیگر ترکیب شدند. در این روش، هر یک از شاخص‌ها با تقسیم بر میانگین رفع اختلاف مقیاس شده و سپس با وزن به‌دست آمده اهمیت هر یک جداگانه در بعد کیفیت زندگی لحاظ شده است. وزن هر یک از شاخص‌ها؛ شاخص جمعیتی (۰.۷۸۶)، شاخص آموزش و تحصیلات (۰.۸۹۲)، شاخص کار و اشتغال (۰.۶۳۵)، بهداشت و سلامت (۰.۷۸۶)، بیمه و تأمین اجتماعی (۰.۸۹۳)، شاخص فعالیت فرهنگی (۰.۴۰۹)، شاخص مسکن و خدمات زیرساختی (۰.۴۶۷) و رضایت‌مندی از زندگی (۰.۴۱۴) بوده است.

بنابراین شاخص ترکیبی بیمه و تأمین اجتماعی در بعد کیفیت زندگی دارای بیشترین تأثیر و شاخص ترکیبی فعالیت فرهنگی دارای کمترین تأثیر می‌باشد. مطابق نتایج جدول ۳، امتیاز بعد کیفیت زندگی در کشور برابر ۰.۴۸۸ می‌باشد. در بین استان‌های کشور، استان‌های تهران، یزد، سمنان رتبه اول تا چهارم و استان سیستان و بلوچستان رتبه سی و یکم را به خود اختصاص داده‌اند.

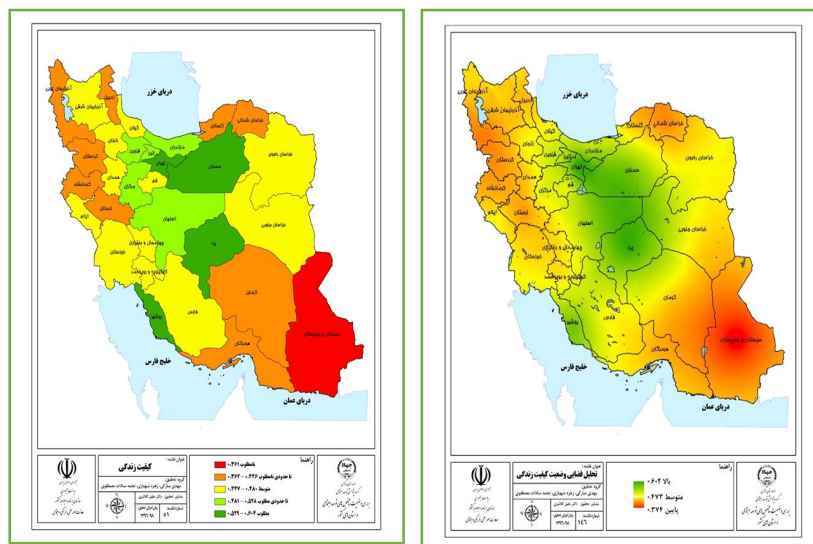
جدول ۱: امتیازات مربوط به بعد کیفیت زندگی

Table 3: Scores Related to the Dimension of Quality of Life

رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان
Rank	Score	Province	Rank	Score	Province	Rank	Score	Province
۲۳	۰.۴۴۳	اردبیل	۱۲	۰.۴۷۴	ایلام	۱	۰.۶۰۴	تهران
۲۴	۰.۴۴۲	کرمان	۱۳	۰.۴۷۲	خراسان رضوی	۲	۰.۵۷۸	یزد
۲۵	۰.۴۴۰	هرمزگان	۱۴	۰.۴۷۲	گیلان	۳	۰.۵۴۶	سمنان
۲۶	۰.۴۳۳	کرمانشاه	۱۵	۰.۴۷۱	خراسان جنوبی	۴	۰.۵۴۴	بوشهر
۲۷	۰.۴۲۶	کردستان	۱۶	۰.۴۶۹	فارس	۵	۰.۵۲۸	اصفهان
۲۸	۰.۴۲۲	لرستان	۱۷	۰.۴۶۰	کهگیلویه و بویر احمد	۶	۰.۵۱۱	البرز
۲۹	۰.۴۱۹	خراسان شمالی	۱۸	۰.۴۵۹	چهارمحال و بختیاری	۷	۰.۵۰۷	مازندران
۳۰	۰.۴۱۲	آذربایجان غربی	۱۹	۰.۴۶۰	خوزستان	۸	۰.۴۹۱	قزوین
۳۱	۰.۳۶۱	سیستان و بلوچستان	۲۰	۰.۴۵۲	آذربایجان شرقی	۹	۰.۴۸۹	مرکزی
۰.۴۸۸		کل کشور	۲۱	۰.۴۵۲	همدان	۱۰	۰.۴۸۰	قم
			۲۲	۰.۴۴۶	گلستان	۱۱	۰.۴۷۵	زنجان

نتایج کیفیت زندگی، نشان‌دهنده شکاف و پراکندگی بین استان‌ها است. وفق نمودار شماره ۱ تنها میانگین کیفیت زندگی در استان‌های تهران، یزد، سمنان، بوشهر، اصفهان، البرز، مازندران، قزوین و مرکزی از میانگین کشوری بالاتر و امتیاز کیفیت زندگی در سایر استان‌های کشور پایین‌تر از میانگین کشوری می‌باشد. در نتایج کیفیت زندگی توجه به تفاوت شاخص عینی و ذهنی آن ضروری است. پراکندگی و واریانس در استان‌ها برای شاخص عینی کیفیت زندگی بالاست و همان‌طور که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود، تغییرات کیفیت زندگی بیشتر بر اساس تغییر در شاخص عینی حاصل می‌شود؛ همچنین رابطه معناداری بین وجه عینی و ذهنی کیفیت زندگی وجود ندارد، البته این مهم با توجه به اینکه شاخص‌های عینی مربوط به شرایط واقعی زندگی بوده که از قیاس با معیارهای مطلوب به دست می‌آیند و

نقشه تحلیل فضایی کیفیت زندگی نیز گویای این شکاف و نابرابری می‌باشد، به طوری که وضعیت کیفیت زندگی در استان‌های پیرامونی نسبت به استان‌های مرکز، از سطح نازل تری برخوردار است.



نقشه ۱: وضعیت کیفیت زندگی در استان‌های کشور

Map 1: The State of Quality of Life in the Provinces of the Country

عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یا همان کاهش عدم تعادل‌ها و تبعیض بین افراد به‌عنوان یکی از اهداف مهم توسعه اجتماعی قلمداد می‌شود. از عدالت ناشی از توسعه اجتماعی انتظار می‌رود که فاصله طبقاتی، تبعیض و استثمار در جامعه را به حداقل رسانده، توزیع درآمد، سرمایه، قدرت و حتی اطلاعات را به گونه‌ای مناسب‌تر و فراگیرتر انجام دهد، شکاف میان فقیر و غنی، شهر و روستا، مرد و زن و ... را از میان برده و از نقطه‌نظر جغرافیایی نیز عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را به حداقل برساند. در این مطالعه عدالت اجتماعی بیشتر با تمرکز بر عدالت در رویه‌ها (نحوه توزیع امکانات و خدمات) نحوه دسترسی گروه‌های مختلف

اجتماعی به امکانات و خدمات، در قالب محاسبات سرانه، نسبت، درصد و تراکم بررسی و سنجش شده است.

اجزای مدل عملیاتی عدالت اجتماعی شامل:

شاخص دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی و سلامت: سرانه پزشک عمومی، سرانه دندان‌پزشک، سرانه داروساز، سرانه پزشک متخصص، سرانه پزشک فوق تخصص، سرانه تخت‌های فعال بخش‌های بیمارستانی، سرانه پایگاه بهداشتی شهری، درصد روستاهای دارای خانه بهداشت، سرانه خانه بهداشت، سرانه آزمایشگاه تشخیص طبی، تراکم آزمایشگاه تشخیص طبی، سرانه مرکز توانبخشی، تراکم مرکز توانبخشی، سرانه مؤسسات تشخیص درمانی هسته‌ای، تراکم مؤسسات تشخیص درمانی هسته‌ای، سرانه داروخانه، تراکم داروخانه، سرانه درمانگاه، کلینیک، پلی کلینیک، تراکم درمانگاه، کلینیک، پلی کلینیک.

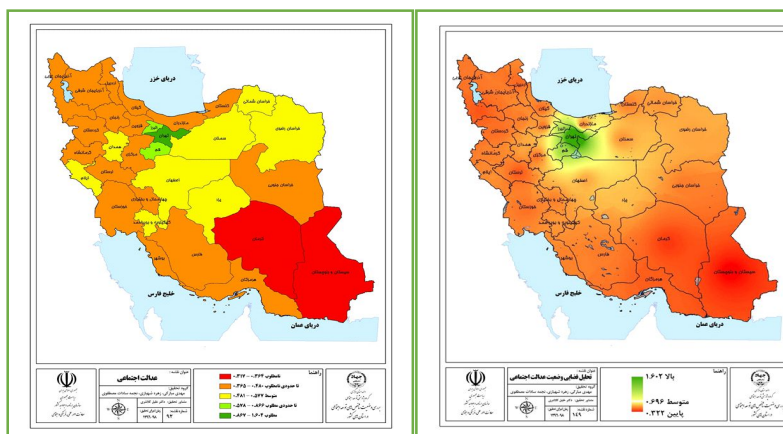
شاخص دسترسی به امکانات و خدمات فرهنگی: سرانه پارک‌های عمومی، سرانه تعداد کتابخانه عمومی، سرانه کتاب در کتابخانه‌های عمومی، سرانه صندلی سینما، تراکم سینما، تراکم سالن‌های فرهنگی، سرانه مکان‌های ورزشی و شاخص دسترسی به امکانات و خدمات آموزشی: سرانه کلاس مقطع ابتدایی، نسبت کلاس مقطع ابتدایی، سرانه معلم مقطع ابتدایی، نسبت معلم مقطع ابتدایی، سرانه کلاس مقطع متوسطه، نسبت کلاس مقطع متوسطه، سرانه معلم مقطع متوسطه، نسبت معلم مقطع متوسطه، نسبت آموزش‌گران دانشگاهی به دانشجویان، درصد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای از کل آموزشگاه‌هاست. این شاخص‌ها، پس از رفع اختلاف مقیاس و وزن‌دار شدن با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با یکدیگر ترکیب شدند. در این روش، هر یک از شاخص‌ها با تقسیم بر میانگین رفع اختلاف مقیاس شده و سپس با وزن به دست آمده اهمیت هر یک جداگانه در بعد عدالت اجتماعی لحاظ گردید. وزن هر یک از شاخص‌های ترکیبی؛ دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی و سلامت (۰.۹۷۵)، دسترسی به امکانات و خدمات فرهنگی (۰.۶۹۹) و دسترسی به امکانات و خدمات آموزشی (۰.۹۷۲) بوده است. بر اساس نتایج جدول ۴، امتیاز بعد عدالت اجتماعی در کشور برابر ۰.۴۷۲ می‌باشد. در بین استان‌های کشور، استان تهران رتبه اول و استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان در رتبه‌بندی امتیاز استان‌ها در بعد عدالت اجتماعی رتبه ۳۰ و ۳۱ را کسب کرده‌اند.

جدول ۲: امتیازات مربوط بعد عدالت اجتماعی

Table 4: Scores Related to Social Justice Dimension

رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان
Rank	Score	Province	Rank	Score	Province	Rank	Score	Province
۲۳	۰.۴۴۷	مرکزی	۱۲	۰.۴۸۰	کرمانشاه	۱	۱.۶۰۴	تهران
۲۴	۰.۴۴۴	گیلان	۱۳	۰.۴۷۷	گلستان	۲	۰.۸۶۶	قم
۲۵	۰.۴۴۱	کردستان	۱۴	۰.۴۷۶	چهارمحال و بختیاری	۳	۰.۸۲۰	البرز
۲۶	۰.۴۳۸	اردبیل	۱۵	۰.۴۷۵	بوشهر	۴	۰.۵۷۷	یزد
۲۷	۰.۴۱۵	هرمزگان	۱۶	۰.۴۷۲	مازندران	۵	۰.۵۴۵	اصفهان
۲۸	۰.۴۰۹	لرستان	۱۷	۰.۴۷۰	خراسان جنوبی	۶	۰.۵۳۹	همدان
۲۹	۰.۴۰۴	آذربایجان غربی	۱۸	۰.۴۶۷	زنجان	۷	۰.۵۳۴	خراسان رضوی
۳۰	۰.۳۶۴	کرمان	۱۹	۰.۴۶۶	فارس	۸	۰.۵۱۳	سمنان
۳۱	۰.۳۱۷	سیستان و بلوچستان	۲۰	۰.۴۶۶	آذربایجان شرقی	۹	۰.۵۱۱	خراسان شمالی
۰.۴۷۲	کل کشور	۲۱	۰.۴۶۲	قزوین	۱۰	۰.۵۱۱	کهگیلویه و بویراحمد	
		۲۲	۰.۴۵۰	خوزستان	۱۱	۰.۵۰۰	ایلام	

نتایج نمودار ۳ نشان می‌دهد که بین استان‌های کشور از نظر دسترسی به امکانات و خدمات گوناگون شکاف وجود دارد. وضعیت عدالت اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان با اختلاف تقریباً زیادی با میانگین کشوری است و استان تهران با بالاترین اختلاف با میانگین کشوری از نظر سطح دسترسی به امکانات و خدمات نسبت به سایر استان‌ها می‌باشد و شکاف زیادی بین بالاترین و پایین‌ترین استان‌ها از نظر دسترسی به امکانات و خدمات در سطح کشور وجود دارد. در واقع برنامه‌ریزی و توزیع منابع و منافع آنچنان که باید، عادلانه نبوده و به دلیل عدم برخورداری از پشتوانه نظری، اقدامات توسعه‌ای ناشی از آن، بدون استراتژی مشخص و از پیش تعیین شده صورت گرفته و نتوانسته نسبت لازم را با عادلانه بودن برقرار نماید. به همین دلیل می‌توان به الگوی نحوه توزیع امکانات و خدمات در کشور ایران قاعده ماکروسفالی را نسبت داد. به طوری که چه در مقیاس کشور و چه در مقیاس استان، شهر مرکز استان‌ها نسب به پیرامون (نقاط شهری و روستایی) از امکانات و خدمات بیشتری برخوردار می‌باشند. همچنین قابل ذکر است که همان‌طور که در نمودار ۴ مشاهده می‌شود،



نقشه ۲: وضعیت عدالت اجتماعی در استان‌های کشور

Map 3: The State of Social Justice in the Provinces of the Country

با توجه به میانگین به دست آمده در عدالت اجتماعی تحلیل فضایی نتایج نیز الگوی ناعادلانه توزیع امکانات و خدمات را در بین استان‌ها نشان می‌دهد.

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی: "توانایی جامعه برای حفظ ویژگی اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط"، "قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرق ملی"، "توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی سیاسی و فرهنگی بنیادی خود دور بودن جامعه از انواع تهدیدات، خطرات و آسیب‌هایی که مبارزه با آنها هدف امنیت محسوب می‌شود" تعریف شده است. برخلاف نظر امنیت پژوهان که هویت‌خواهی در مرکز مباحث امنیت اجتماعی قرار دارد و حذف قومی و نژادی، احساس طرد و پیامد آن شکل‌گیری برخی از گروه‌ها و اقشار، ریشه نامنی اجتماعی و طرح بحث مسئله امنیت اجتماعی در این جوامع شده است، این هویت‌خواهی در ایران کمابیش محلی از اعراب ندارد و عوامل شکل‌دهنده آن با الگوی غربی متمایز است. در این الگوی متمایز نظام اجتماعی به جای آنکه با معیار تعادل و نظم قابل تحلیل باشد، از طریق آنتروپی (بی‌نظمی) تحلیل می‌شود، به گونه‌ای که با به حداقل رساندن آنتروپی می‌توان بر سطح امنیت اجتماعی تأثیر گذاشت. بنابراین هر عاملی که وضعیت اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، محیط زیستی و ارتباطی افراد را

تهدید نماید، امنیت اجتماعی جوامعی همچون ایران را در معرض مخاطره قرار می‌دهد. از آن جمله رشد نابرابری‌ها و نابسامانی‌ها در جامعه که با کاهش امنیت اجتماعی همراه است. برای سنجش با تلفیق وجه عینی (رهایی از خطرات مانند کاهش نرخ آسیب‌های اجتماعی) و ذهنی (آرامش، اطمینان خاطر، انعطاف‌پذیری)، اجزای مدل عملیاتی امنیت اجتماعی شامل: بعد عینی، شاخص امنیت عینی (آسیب اجتماعی): نرخ قتل، نرخ خودکشی، نرخ نزاع و درگیری فردی، نرخ نزاع و درگیری جمعی، نرخ دستگیرشدگان در ارتباط با مواد مخدر و سرقت و نسبت طلاق و بعد ذهنی، شاخص امنیت ذهنی (احساس امنیت): وجود احساس مخاطره در حوزه ترافیک و تصادفات، خدمات درمانی، پزشک و دارو، وجود سارقان و جیب‌برها، تغییرات زیاد قیمت‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی، از دست دادن شغل و بیکاری، بی‌ثباتی سیاسی و شورش اجتماعی، گرفتار شدن خانواده به آسیب‌های اجتماعی بوده است. وزن هر یک از شاخص‌های ترکیبی امنیت عینی (۰.۷۵۸)، شاخص امنیت ذهنی (۰.۵۹۸) بوده است. مطابق نتایج جدول ۵، امتیاز بعد امنیت اجتماعی در کشور برابر ۰.۳۴۴ می‌باشد. در بین استان‌های کشور، استان‌های خراسان جنوبی، یزد و خراسان شمالی رتبه اول تا سوم استان‌های سمنان، قزوین، تهران و البرز در رتبه‌بندی استان‌ها در بعد امنیت اجتماعی رتبه ۲۸ تا ۳۱ را کسب کرده‌اند.

جدول ۳: امتیازات مربوط به بعد امنیت اجتماعی

Table 5: Scores Related to the Dimension of Social Security

رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان
Rank	Score	Province	Rank	Score	Province	Rank	Score	Province
۲۳	۰.۳۴۰	سیستان و بلوچستان	۱۲	۰.۳۴۸	یوشهر	۱	۰.۳۶۵	خراسان جنوبی
۲۴	۰.۳۴۰	کهگیلویه و بویر احمد	۱۳	۰.۳۴۷	کردستان	۲	۰.۳۶۳	یزد
۲۵	۰.۳۴۰		۱۴	۰.۳۴۶	خراسان رضوی	۳	۰.۳۶۲	خراسان شمالی
۲۶	۰.۳۳۷	کرمانشاه	۱۵	۰.۳۴۵	اردبیل	۴	۰.۳۵۸	گلستان
۲۷	۰.۳۳۷	کرمان	۱۶	۰.۳۴۴	چهارمحال و بختیاری	۵	۰.۳۵۷	فارس
۲۸	۰.۳۳۳	سمنان	۱۷	۰.۳۴۴	مرکزی	۶	۰.۳۵۴	هرمزگان
۲۹	۰.۳۱۰	قزوین	۱۸	۰.۳۴۳	گیلان	۷	۰.۳۵۴	اصفهان
۳۰	۰.۳۳۰	تهران	۱۹	۰.۳۴۳	لرستان	۸	۰.۳۵۳	آذربایجان غربی
۳۱	۰.۳۱۷	البرز	۲۰	۰.۳۴۲	ایلام	۹	۰.۳۵۲	آذربایجان شرقی
	۰.۳۴۴	کل کشور	۲۱	۰.۳۴۲	خوزستان	۱۰	۰.۳۴۸	زنجان
			۲۲	۰.۳۴۰	همدان	۱۱	۰.۳۴۸	قم

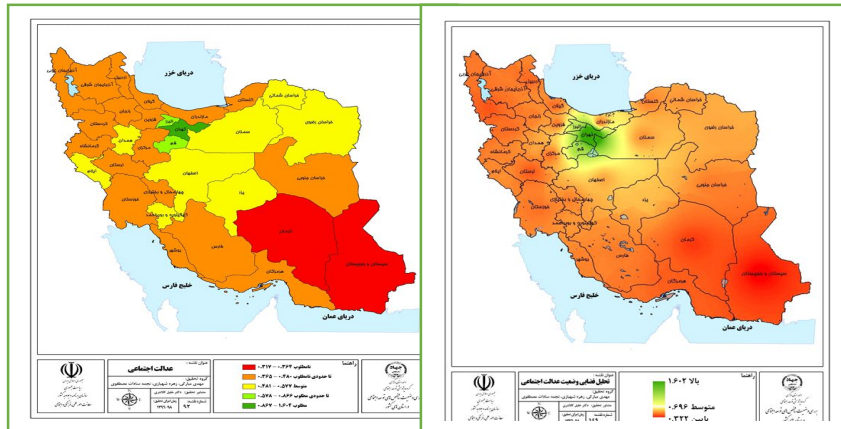
همچنین مطابق نمودار ۵؛ میانگین امنیت اجتماعی در استان‌های البرز، تهران، قزوین، سمنان، مازندران، خراسان شمالی، کرمان، همدان، گیلان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، کرمانشاه و خراسان رضوی پایین‌تر و در استان‌های خراسان جنوبی، یزد، گلستان، فارس، هرمزگان، آذربایجان غربی، اصفهان، آذربایجان شرقی، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام، زنجان، بوشهر، کردستان، لرستان، قم، مرکزی و خراسان رضوی بالاتر از میانگین کشوری است. لازم به ذکر است، استان‌ها با یکدیگر در وجه عینی و ذهنی امنیت تفاوت زیادی دارند و دامنه تغییرات امنیت اجتماعی در بعد عینی و ذهنی در بین استان‌ها زیاد می‌باشد؛ همچنین با توجه به نمودار شماره ۶ الگوی تغییرات امنیت اجتماعی بیشتر تحت تاثیر تغییرات امنیت اجتماعی در بعد عینی است. به عبارت دیگر در هر استانی که میانگین بعد عینی امنیت اجتماعی پایین است، همین الگو در میانگین امنیت اجتماعی آن نیز تکرار شده است و برعکس (پیرامون چرایی جایگاه متفاوت استان‌ها در بخش نتیجه‌گیری بحث شده است).





نمودار ۴: مقایسه میانگین امنیت اجتماعی و ابعاد تشکیل دهنده آن در استان‌های کشور
Chart 6: Comparison of the Average Social Security and Its Constituent Dimensions in the Provinces of the Country

نقشه تحلیل فضایی امنیت اجتماعی در استان‌های کشور نشان می‌دهد که وضعیت استان‌هایی که در مرکز کشور قرار گرفته‌اند، نظیر استان تهران و استان البرز و استان‌های پیرامونی واقع شده در غرب و جنوب غربی کشور نامناسب می‌باشد به عبارت دیگر در حالت کلی می‌توان گفت که وفق نقشه تحلیل فضایی یک رابطه معکوس بین سطح توسعه اجتماعی با امنیت اجتماعی برقرار است.



نقشه ۳: وضعیت امنیت اجتماعی در استان‌های کشور
Map 2: The Social Security Situation in the Provinces of the Country

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی سازه چندوجهی، دارای سطوح (خرد، کلان و میانه)، جنبه‌های عینی و ذهنی و ابعاد مختلفی (ساختاری، نهادی و شناختی) است که حفظ و تقویت آن از یک طرف به‌عنوان ابزار و از طرف دیگر هدف توسعه در نظر گرفته می‌شود، عاملی است که می‌تواند جامعه را از عرصه تک‌ساحتی رقابت به عرصه چندساحتی رقابت، مشارکت، همکاری و اعتماد متقابل سوق داده و ریسک و مخاطره موجود در همکاری‌های اجتماعی را کاهش دهد. مدل عملیاتی سرمایه اجتماعی شامل شاخص اعتماد: اعتماد اجتماعی، سیاسی و نهادی، شاخص مشارکت: مشارکت انجمنی، کمک‌های مالی و مشارکت سیاسی و شاخص اخلاق توسعه (پابندی به ارزش‌ها): عرق به سرزمین، مسئولیت‌پذیری، فرهنگ کار، روحیه همدلی، امانتداری، دستگیری از نیازمندان، پابندی به قول و قرار، تقلب و کلاهبرداری، احترام به حقوق دیگران، بوده است. این شاخص‌ها، پس از رفع اختلاف مقیاس و وزن‌دار شدن با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با یکدیگر ترکیب شدند. در این روش، هر یک از شاخص‌ها با تقسیم بر میانگین رفع اختلاف مقیاس شده و سپس با وزن به دست آمده اهمیت هر یک جداگانه در بعد سرمایه اجتماعی لحاظ گردید. وزن هر یک از شاخص‌های ترکیبی؛ شاخص اعتماد (۰.۸۷۳)، شاخص مشارکت (۰.۶۹۶) و شاخص اخلاق توسعه (پابندی به ارزش‌ها) (۰.۸۲۶) به‌دست آمده است. بر اساس نتایج جدول ۶، امتیاز بعد سرمایه اجتماعی در کشور برابر ۰.۲۹۹ می‌باشد. در بین استان‌های کشور، استان‌های خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان رتبه اول و دوم و استان‌های قزوین، مازندران و مرکزی در رتبه‌بندی امتیاز استان‌ها در بعد سرمایه اجتماعی رتبه ۲۹ تا ۳۱ را کسب کرده‌اند.

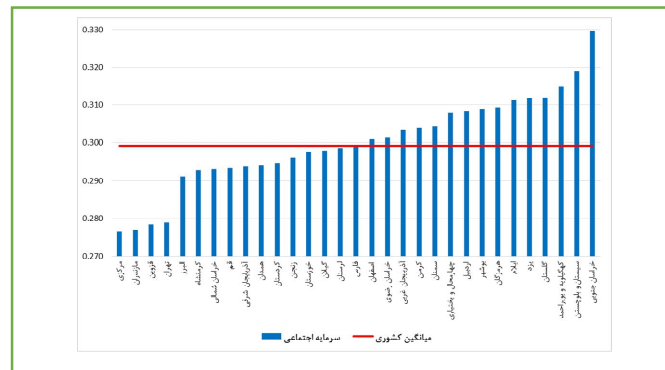
جدول ۴: امتیازات مربوط به بعد سرمایه اجتماعی

Table 6: Scores Related to the Dimension of Social Capital

رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان
Rank	Score	Province	Rank	Score	Province	Rank	Score	Province
۲۳	۰.۲۹۴	آذربایجان شرقی	۱۲	۰.۳۰۴	کرمان	۱	۰.۳۳۰	خراسان جنوبی
۲۴	۰.۲۹۳	قم	۱۳	۰.۳۰۳	آذربایجان غربی	۲	۰.۳۱۹	سیستان و بلوچستان
۲۵	۰.۲۹۳	خراسان شمالی	۱۴	۰.۳۰۲	خراسان رضوی	۳	۰.۳۱۵	کهگیلویه و بویراحمد
۲۶	۰.۲۹۳	کرمانشاه	۱۵	۰.۳۰۱	اصفهان	۴	۰.۳۱۲	گلستان
۲۷	۰.۲۹۱	البرز	۱۶	۰.۲۹۹	فارس	۵	۰.۳۱۲	یزد
۲۸	۰.۲۷۹	تهران	۱۷	۰.۲۹۹	لرستان	۶	۰.۳۱۱	ایلام
۲۹	۰.۲۷۸	قزوین	۱۸	۰.۲۹۸	گیلان	۷	۰.۳۰۹	هرمزگان

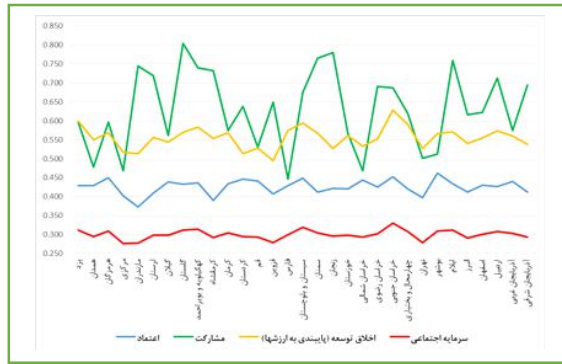
رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان
Rank	Score	Province	Rank	Score	Province	Rank	Score	Province
۳۰	۰.۲۷۷	مازندران	۱۹	۰.۲۹۸	خوزستان	۸	۰.۳۰۹	بوشهر
۳۱	۰.۲۷۷	مرکزی	۲۰	۰.۲۹۶	زنجان	۹	۰.۳۰۸	اردبیل
۰.۲۹۹	کل کشور	۲۱	۰.۲۹۵	کردستان	۱۰	۰.۳۰۸	چهارمحال و بختیاری	
		۲۲	۰.۲۹۴	همدان	۱۱	۰.۳۰۴	سمنان	

همان‌طور که نمودار ۷ نشان می‌دهد، میانگین سرمایه اجتماعی استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، یزد، ایلام، هرمزگان، بوشهر، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، سمنان، کرمان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی و اصفهان بالاتر و جایگاه بقیه استان‌ها پایین‌تر از میانگین کشوری گزارش شده است. وضعیت سرمایه اجتماعی در استان‌های مرکزی، مازندران، قزوین و تهران نسبت به سایر استان‌ها پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. بالاترین میانگین در این بخش به استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویر احمد تعلق دارد. همچنین مطابق نمودار شماره ۹، تغییرات سرمایه اجتماعی بیشتر تحت‌الشعاع تغییرات شاخص اعتماد است و الگوی آن با الگوی تغییرات شاخص اعتماد شباهت دارد. علاوه بر این واریانس شاخص مشارکت در بین استان‌ها نسبت به سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بسیار زیاد است (پیرامون چرایی جایگاه متفاوت استان‌ها در بخش نتیجه‌گیری بحث شده است).



نمودار ۷: مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی استان‌ها با میانگین کشوری امنیت اجتماعی

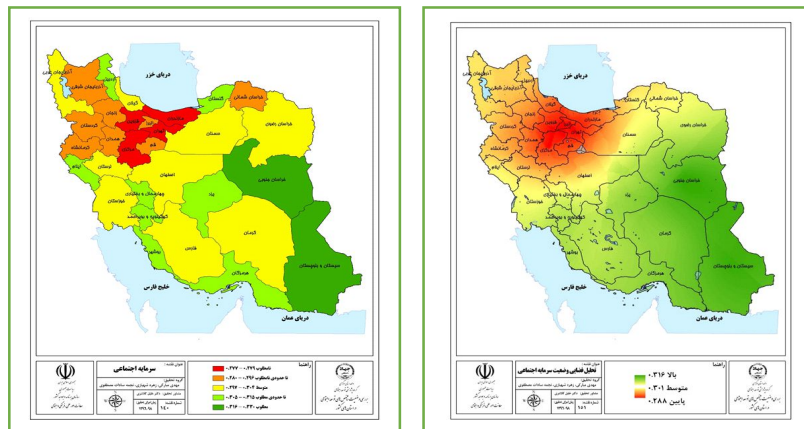
Chart 7: Comparing the Average Social Capital of the Provinces with the National Average of Social Security



نمودار ۵: مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی با ابعاد آن در استان‌ها

Chart 8: Comparison of Average Social Capital with its Dimensions in Provinces

نقشه تحلیل فضایی سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی برخلاف الگوی فضایی ابعاد دوگانه عدالت اجتماعی و کیفیت اجتماعی در کشور می‌باشد. استان‌های مرکزی، نظیر استان تهران و البرز با امتیاز بالا در عدالت و کیفیت، در سرمایه اجتماعی میانگین بسیار کمتری به نسبت استان‌های کشور به خود اختصاص دادند. از سوی دیگر استان‌های پیرامونی همچون سیستان و بلوچستان (با امتیاز پایین در عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی) میانگین بالا در شاخص سرمایه اجتماعی دارند.



نقشه ۴: وضعیت سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور

Map 5: The State of Social Capital in the Provinces of the Country

توسعه اجتماعی

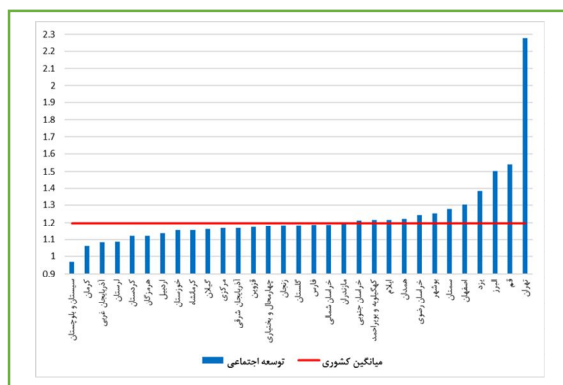
این وجه از توسعه "هم ناظر به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مردم برای کار مداوم در جهت دسترسی به رفاه و هم از تغییر و توسعه جامعه به سوی وضعیت و موقعیتی سخن می‌گوید که در آن به نیازهای انسانی همه گروه‌ها در جامعه پاسخ داده می‌شود" (Mijeli, 2019:22)؛ بنابراین توسعه اجتماعی نیاز به یک تعریف غیرتقلیل‌گرایانه دارد، در این مطالعه توسعه اجتماعی عبارت است از، ارتقا کیفیت سیستم اجتماعی (اجتماع جامعه‌وی) از طریق استقرار عدالت اجتماعی و نهادینه کردن اخلاق توسعه با هدف بهبود کیفیت زندگی و افزایش ضریب امنیت اجتماعی در بستر هنجارها و شبکه‌های رسمی و غیر رسمی. برای عملیاتی کردن این تعریف ابعاد کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، ابتدا با روش تقسیم بر میانگین رفع اختلاف مقیاس و سپس با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی به آنها وزن داده شد تا اهمیت هر یک جداگانه در مفهوم اصلی لحاظ گردد. با توجه به وزن هر یک از ابعاد؛ کیفیت زندگی (۰.۷۹۷)، عدالت اجتماعی (۰.۸۸۹)، امنیت اجتماعی (۰.۶۸۱) و سرمایه اجتماعی (۰.۷۱۹)، عدالت اجتماعی در امتیاز نهایی توسعه اجتماعی دارای بیشترین تأثیر و امنیت اجتماعی دارای کمترین تأثیر می‌باشد. مطابق نتایج جدول ۷، امتیاز توسعه اجتماعی در کشور برابر ۱.۳۵ می‌باشد. استان تهران در رتبه‌بندی استان‌ها در توسعه اجتماعی رتبه ۱ و استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان با کمترین امتیاز در رتبه‌بندی امتیاز استان‌ها در توسعه اجتماعی، رتبه ۳۰ و ۳۱ را داشته‌اند.

جدول ۵: امتیازات مربوط به توسعه اجتماعی

Table 7: Scores Related to Social Development

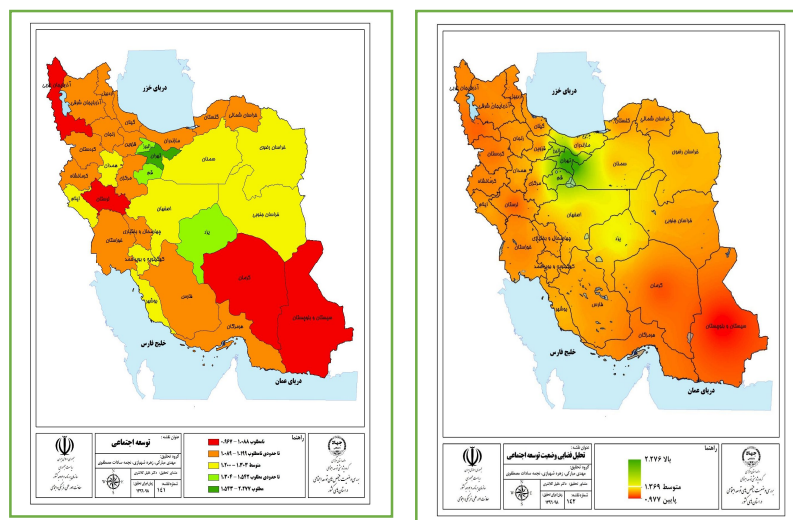
رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان	رتبه	امتیاز	استان
Rank	Score	Province	Rank	Score	Province	Rank	Score	Province
۲۳	۱.۱۵	کرمانشاه	۱۲	۱.۲۱	خراسان جنوبی	۱	۲.۲۸	تهران
۲۴	۱.۱۵	خوزستان	۱۳	۱.۲۰	مازندران	۲	۱.۵۴	قم
۲۵	۱.۱۴	اردبیل	۱۴	۱.۱۹	خراسان شمالی	۳	۱.۵۰	البرز
۲۶	۱.۱۲	هرمزگان	۱۵	۱.۱۹	فارس	۴	۱.۳۸	یزد
۲۷	۱.۱۲	کردستان	۱۶	۱.۱۹	گلستان	۵	۱.۳۰	اصفهان
۲۸	۱.۰۹	لرستان	۱۷	۱.۱۸	زنجان	۶	۱.۲۸	سمنان
۲۹	۱.۰۹	آذربایجان غربی	۱۸	۱.۱۸	چهارمحال و بختیاری	۷	۱.۲۵	بوشهر
۳۰	۱.۰۶	کرمان	۱۹	۱.۱۷	قزوین	۸	۱.۲۴	خراسان رضوی
۳۱	۰.۹۷	سیستان و بلوچستان	۲۰	۱.۱۷	آذربایجان شرقی	۹	۱.۲۲	همدان
۱.۲۰		کل کشور	۲۱	۱.۱۷	مرکزی	۱۰	۱.۲۲	ایلام
			۲۲	۱.۱۶	گیلان	۱۱	۱.۲۲	کهگیلویه و بویراحمد

میانگین ۱۹ استان، سیستان و بلوچستان، کرمان، آذربایجان غربی، لرستان، کردستان، هرمزگان، اردبیل، خوزستان، کرمانشاه، گیلان، مرکزی، آذربایجان شرقی، قزوین، چهارمحال و بختیاری، زنجان، گلستان، فارس، خراسان شمالی و مازندران از میانگین کشوری توسعه اجتماعی پایین‌تر و از سوی دیگر میانگین ۱۲ استان تهران، قم، البرز، یزد، اصفهان، سمنان، بوشهر، خراسان رضوی، همدان، ایلام، کهگیلویه و بویر احمد و خراسان جنوبی بالاتر می‌باشد. لازم به ذکر است که همان‌طور که نمودار ۹ نشان می‌دهد، تغییرات توسعه اجتماعی بیشتر بر اساس تغییر در شاخص عینی توسعه اجتماعی حاصل می‌شود. علاوه بر اینکه پراکندگی و واریانس در استان‌ها برای توسعه اجتماعی در وجه عینی بالاست (برخلاف واریانس شاخص ذهنی) تغییر در این وجه، سهم بیشتری در تبیین تغییرات توسعه اجتماعی داشته است. در واقع عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی به‌عنوان متغیرهای تشکیل‌دهنده بعد عینی توسعه اجتماعی بیشترین نابرابری را به خود اختصاص داده‌اند که این امر مؤید نابرابری بیشتر در بعد عینی توسعه اجتماعی است.



نمودار ۹: مقایسه میانگین توسعه اجتماعی استان‌ها با میانگین کشوری امنیت اجتماعی

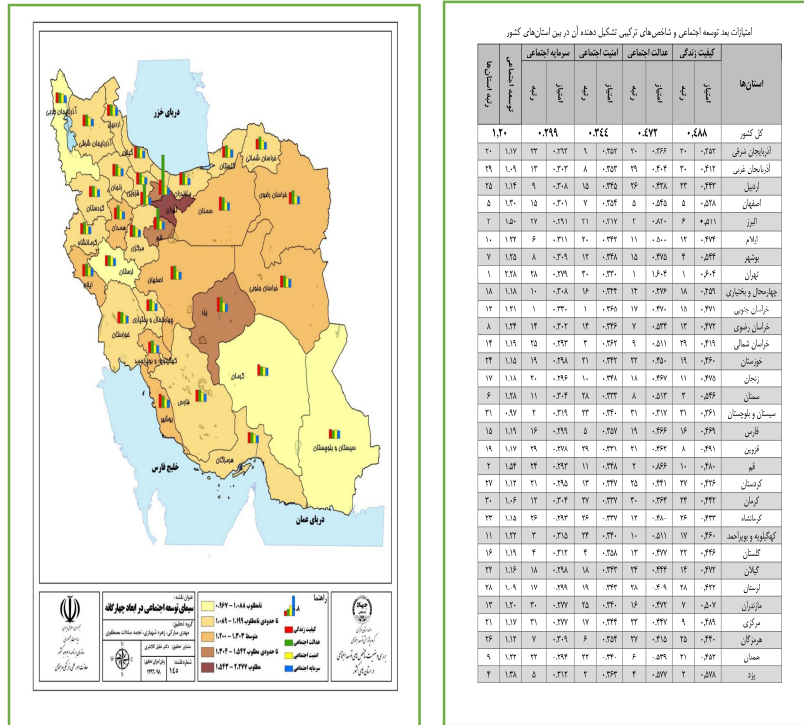
Chart 9: Comparing the Social Development Average of the Provinces with the National Average of Social Security



نقشه ۵: وضعیت توسعه اجتماعی در استان‌های کشور

Map 5: The State of Social Development in the Provinces of the Country

همچنین دقت نظر از زاویه دیگر به نتایج نشان می‌دهد که وضعیت توسعه اجتماعی در ابعاد چهارگانه آن متغیر است. همان‌طور که در نقشه و جدول زیر قابل مشاهده است، برخی استان‌ها نظیر لرستان در ابعاد چهارگانه توسعه اجتماعی از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده‌اند، برخی دیگر مانند استان یزد در کلیه ابعاد، به نسبت اکثر استان‌های دیگر، میانگین و رتبه مناسبی به دست آورده است. بعضی از استان‌ها نیز در برخی ابعاد رتبه پایین و در برخی دیگر رتبه بالا را کسب کرده‌اند، نظیر رتبه استان سیستان و بلوچستان که در کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و امنیت اجتماعی، میانگین و رتبه پایین و تنها در سرمایه اجتماعی میانگین و رتبه بالا گزارش شده است. در جدول زیر وضعیت استان‌ها در هر یک از ابعاد چهارگانه توسعه اجتماعی؛ کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی خلاصه شده است.



جدول و نقشه سیمای توسعه اجتماعی در استان‌های کشور

Table and Map of Social Development in the Provinces of the Country

نتیجه‌گیری

در این مطالعه توسعه اجتماعی، "ارتقا کیفیت سیستم اجتماعی (اجتماع جامعوی) از درون فرآیند چندوجهی برنامه‌ریزی شده با استقرار عدالت اجتماعی، نهادینه کردن اخلاق توسعه، بهبود کیفیت زندگی و افزایش امنیت اجتماعی در بستر هنجارها و شبکه‌های غیر رسمی" تعریف شد. بر این اساس برخی جنبه‌های کلیدی این تعریف این است که: اول اینکه توسعه اجتماعی فرایندی و پویاست، به‌عبارت دیگر تغییرات تحولی برنامه‌ریزی شده و مداوم است که موجب تغییرات اجتماعی در جهت پیشرفت و ترقی می‌شود. دوم آنکه توسعه اجتماعی شکل نمی‌گیرد، مگر آنکه با مداخلات عملی و کاربردی از وضعیت و شرایط موجود

به سوی رفاه و بهزیستی بیشتر حرکت شود. سوم اینکه در این تعریف اهداف عینی و ذهنی به صورت توأمان در نظر گرفته شد تا با حذف یکسویه‌نگری و شکاف بین نظریه و اقدام توازن برقرار گردد. چرا که در حال حاضر به دلیل گفتمان موجود توسعه در ایران و غلبه رویکرد ساختار محور، عینیت‌گرا، عمرانی، کمی و پوزتویسمی و شکل‌گیری توسعه نامتوازن به عنوان پیامد آن در بخش کلان مدیریتی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای توسعه از یک طرف (اقدام) و غلبه رویکرد ذهنیت‌گرای کیفی عاملیت محور در انتقاد از وضع موجود در بخش آکادمیک (نظریه)، تقلیل‌گرایی و نگرش یک‌سویه در حوزه توسعه خاصه توسعه اجتماعی را ایجاد نموده و این شکاف بین اقدام و نظر توازن و پایداری توسعه را با اختلال مواجه ساخته است. اما در این تعریف برای پوشش نقاط ضعف مطالعات مشابه با پرهیز از تقلیل‌گرایی و جلوگیری از تفوق وجه نظری یا عینی به‌عنوان وضعیت توسعه‌یافتگی اجتماعی، سعی شد ابعاد و شاخص‌های بسنده‌ای برای هر یک از اهداف عینی و ذهنی ارائه گردد.

در مطالعه *Migdely, 2014* که دربردارنده ایده‌های نظری در باب توسعه اجتماعی است، نیز بر این مهم خاصه از جهت ضرورت مداخلات عملی برای تحقق اهداف توسعه اجتماعی تأکید شده است. همچنان که مطالعات داخلی مشابه نیز بر ضرورت اتخاذ رویکرد چندبعدی توسعه اجتماعی در جهت ساماندهی نظام رفاهی و فقرزدایی تأکید دارند (*Ghaneirad, 2005*).

بر این اساس، نتایج نشان می‌دهد که وضعیت توسعه اجتماعی چندان مطلوب نیست. این وضعیت در شاخص‌های پراکنده بین‌المللی نیز معمولاً متوسط و متوسط رو به پایین گزارش شده است، به‌عنوان مثال در شاخص توسعه اجتماعی مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی (*ISS*) در سال ۲۰۱۰ از بین ۱۰۲ کشور رتبه ایران ۹۷، در شاخص پیشرفت اجتماعی در گزارش سال ۲۰۱۷ از بین ۱۳۲ کشور رتبه ایران ۸۸، در شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۸ در بین ۱۸۹ کشور رتبه ایران ۶۰، در شاخص سرمایه اجتماعی در سال ۲۰۱۵ بین ۱۴۲ کشور رتبه ایران ۱۱۱ شده است؛ همچنین در بین استان‌های کشور از نظر توسعه اجتماعی شکاف محسوسی وجود دارد.

فاصله بین استان‌های بالا و پایین از نظر میانگین توسعه اجتماعی قابل توجه است. به‌عبارت دیگر به‌عنوان مثال فاصله وضعیت توسعه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان

در مقایسه با استان تهران به شکل قابل توجهی بالا است. هر چند که استان تهران حتی با استان قم و استان البرز به عنوان استان دوم و سوم از نظر میانگین توسعه اجتماعی نیز فاصله زیادی دارد. باید اذعان نمود که وضعیت استان تهران با سایر استان‌های کشور در بخش توسعه اجتماعی و در بسیاری از شاخص‌ها و مؤلفه‌های اندازه‌گیری شده آن، بسیار تأمل‌برانگیز است. طبق نتایج، استان‌های واقع در مرکز کشور نسبت به استان‌های پیرامونی از سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی مطلوب‌تری برخوردارند. این نتایج با نتایج تحقیقات مشابه در ایران که به سنجش نابرابری‌ها در زمینه توسعه و توسعه اجتماعی پرداخته‌اند، نظیر فیروزآبادی و دیگران (۱۳۸۹) مطابقت دارد.

بر این اساس می‌توان به الگوی وضعیت اولیه توسعه اجتماعی در کشور ایران، قاعده بزرگ‌سری یا ماکروسفالی را نسبت داد. نتایج حاصل از محاسبه ضریب تغییرات ابعاد چهارگانه توسعه اجتماعی نشان داد که بیشترین تفاوت و نابرابری در عدالت اجتماعی و سپس کیفیت زندگی و کمترین تفاوت در ابعاد امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی قابل مشاهده است. به عبارتی دیگر متغیرهای تشکیل‌دهنده این دو بعد از توسعه اجتماعی به‌طور نامتعادل‌تری در بین مناطق توزیع شده‌اند. این امر می‌تواند به عنوان بخشی از پیامدهای اقدامات توسعه‌ای (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا) در توزیع منابع، منافع و مسئولیت‌ها در کشور باشد. از این رو می‌توان پیش از اقدامات توسعه‌ای، برای تخصیص منابع و اعتبارات، توجه به این دو بعد را در اولویت قرار داد.

علاوه بر این به سبب نگاه دقیق‌تر جهت تاملات نظری بیشتر، می‌توان از توسعه اجتماعی در وجه عینی و ذهنی در بین استان‌های کشور صحبت به میان آورد. وضعیت توسعه اجتماعی در وجه عینی در استان‌ها از ضریب تغییرات بالاتری برخوردار است و نابرابری در شاخص‌های عینی توسعه اجتماعی در استان‌ها بیشتر می‌باشد.

شاخص‌های عینی به عنوان شاخص‌های واقعی که از محاسبه سرانه‌ها، نرخ‌ها و دسترسی و بهره‌مندی از انواع امکانات و خدمات به دست آمده‌اند، نشان می‌دهند وضعیت توسعه اجتماعی در استان‌ها از شکاف جدی برخوردار می‌باشد؛ به غیر از ۹ استان تهران، یزد، البرز، قم، اصفهان، سمنان، بوشهر، خراسان رضوی و مازندران که میانگین توسعه اجتماعی در وجه عینی در آنها بالاتر از میانگین کشوری است، جایگاه بقیه استان‌ها در توسعه اجتماعی عینی

در پایین میانگین کشوری بوده است. اما و از سوی دیگر، وضعیت درخصوص شاخص‌های ذهنی توسعه اجتماعی متفاوت است، این شاخص‌ها که از وضعیت ادراک شده توسط مردم و شهروندان همچنین شاخص‌های ادراکی همچون سرمایه اجتماعی و رضایت‌مندی و امثالهم به‌دست آمده، گویای این امر هستند که دامنه تغییرات گسترده نیست و واریانس بین استان‌ها در این شاخص‌ها کمتر می‌باشد. وضعیت تعداد کمتری از استان‌ها در پایین میانگین کشوری گزارش شده و بیش از نیمی از استان‌ها در بالای میانگین کشوری قرار دارند.

نکته قابل توجه در رصد شاخص‌های عینی و ذهنی توسعه اجتماعی این است که برخی استان‌ها رتبه معکوس در هر یک از این شاخص‌ها دارند. برای مثال استان تهران که در شاخص‌های عینی با فاصله معنادار از سایر استان‌ها رتبه اول را داراست، در شاخص‌های ذهنی رتبه ۳۰ را در بین استان‌ها به‌دست آورده است، از سوی دیگر استان سیستان و بلوچستان با رتبه ۳۱ در شاخص عینی، در شاخص ذهنی توسعه اجتماعی رتبه ۴ را در بین استان‌ها به‌دست آورده و علیرغم وضعیت نامناسب از حیث دسترسی به شاخص‌های عینی، شهروندان ساکن در این استان وضعیت خود را مناسب ارزیابی کرده‌اند.

در تبیین این امر می‌توان به وجود رابطه منفی بین سطح توسعه با برخی شاخص‌های ادراکی تر نظیر سرمایه اجتماعی، باورها و ارزش‌های معطوف به توسعه، رضایت‌مندی از زندگی و امثالهم اشاره کرد؛ همسو با تحلیل انتقادی لیپتون از الگوی توسعه استاندارد مرسوم، که نگرانی‌های دیرینه‌ای در مورد آثار تباہ‌کننده رشد و توسعه بیرونی بر اخلاق، باورها و ارزش‌ها منعکس می‌کند (Lipton, 1977).

به نظر می‌رسد ورود توسعه با الگوی بیرونی، بخشی و غیر مشارکتی به جوامع بومی، ساختار اجتماعی و فرهنگی آنها را با چالش‌هایی مواجه کرده، کارویژه‌های مثبت ساختارهای سنتی که طی سالیان و حاصل سازگاری با محیط و شرایط ایجاد شده بودند را یکسره از بین می‌برد. به همین دلیل این جوامع از یک طرف ظرفیت و بستر سنتی خود را از دست داده و از طرف دیگر به دلیل بیرونی بودن الگوی مدرن شدنشان ظرفیت و بستر مناسب آن را به‌دست نیاورده‌اند، این ناهماهنگی باعث شده که بین میزان توسعه در ابعاد عینی تر و شاخص‌های ذهنی همچون سرمایه اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی توسعه رابطه منفی برقرار شود.

شهروندان علیرغم برخورداری از برخی شاخص‌های عینی، در بسیاری از شاخص‌های ذهنی نظیر اعتماد، مشارکت و یا ارزش‌های مرتبط با پیشرفت در وضعیت تقریباً نامناسبی قرار دارند؛ همچنین در استان‌هایی که به دلیل کاستی در برخورداری از برخی شاخص‌های عینی و دست نخورده ماندن ساختارهای ارزشی، فرهنگی و سنتی در این جوامع نظیر؛ نظام خویشاوندی قبیله‌ای، نگرش قضا و قدری، خرده فرهنگ روستایی و غیره، همچنان وجه ذهنی و ادراکی توسعه اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی (البته با تعاریف و شاخص‌های مرسوم سنجش آن) در آنها بالا باشد.

پیشنهادات

مطابق اصول نظری و تجربی به دست آمده در این مطالعه پیشنهاد می‌شود، ضمن بررسی انواع استراتژی‌ها در زمینه اقدام برای توسعه اجتماعی، استراتژی مناسب با توجه به شرایط، منابع و موانع برای بررسی مشکلات ساختاری توسعه تحریف شده در ایران خاصه در بخش توسعه اجتماعی برای مداخله و اقدام توسعه اجتماعی انتخاب گردد. علاوه بر این دولت با ایفای نقش کلیدی در جلب مشارکت، هدایت، راهنمایی و توانمندسازی فعالیت‌های مرتبط با توسعه اجتماعی از منابع و قدرت خود برای اصلاح ساختاری بهره گیرد، چرا که تغییرات اجتماعی معنادار فقط زمانی حادث می‌شود که ساختارهای اجتماعی تداوم‌دهنده فقر و نابرابری از میان برداشته شود.

از آنجایی که توسعه اجتماعی از یک سو هم ناظر به ارتقا قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مردم برای کار مداوم در جهت دسترسی به رفاه بیشتر و از سوی دیگر هم تغییر و پیشرفت جامعه به سوی وضعیت و موقعیتی پاسخگو به نیازهای انسانی همه گروه‌ها در جامعه می‌باشد باید میان سازمان‌های جامعه مدنی، خانواده و شرکت‌های تجاری و بین‌المللی با مسئولیت دولت، روابط دوسویه و مشارکتی برقرار کرد تا از طریق روش‌های مناسب تحرک و بسیج گروه‌ها و نهادهای مختلف برای اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه اجتماعی اقدامات مشخص صورت گیرد.

متأسفانه در این شرایط بسیاری از مفاهیم و اقدامات معمول و تأثیرگذار برای توسعه اجتماعی نظیر توانمندسازی، برنامه‌های اجتماع‌محور، نهادهای مدنی و ... در ایران، بدون

توجه به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی و پیامدهای حاصل از آن مورد استفاده قرار گرفته‌اند که ضرورت بازتعریف مجدد آنها برای همه گروه‌ها و اجتماعات (علمی، مدنی، سازمان‌های خیریه و ...)، سیاست‌پژوهان، سیاست‌گذاران و متولیان اجرایی اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین برای دستیابی به توسعه اجتماعی در کشور رعایت چند موضوع محوری و اقدام برای آن نظیر؛ اهتمام در بازنگری از تعاریف و برداشت‌های غیر واقعی از توسعه اجتماعی در نگاه صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران فعال و اتخاذ رویکرد منسجم، قابل اتکا و مورد اجماع در این زمینه، داشتن استراتژی اقدام^۱ منطبق با شرایط کشور (اشکال نهادینه شده و جا افتاده اقدام توسعه اجتماعی که پروژه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف را در یک سیستم منسجم مداخله سامان‌دهی می‌کند) بر پایه سیاست رویه‌ای و توزیعی مرتبط، پرهیز از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها، پتانسیل‌ها و محدودیت‌های خاص مناطق جهت جلب مشارکت فعال جامعه، برنامه‌ریزی در جهت تحول نهادی و سازمانی (افزایش کمی سطح فعالیت‌ها و اقدامات و همچنین تحول کیفی در نحوه انجام فعالیت‌ها) برای پرهیز از موازی‌کاری اجرایی و اتلاف منابع، برنامه‌ریزی و اقدام فعال جهت افزایش مشارکت و استفاده از پتانسیل‌های گروه‌های داوطلب، فعالان مدنی، سازمان‌های غیر دولتی (داخلی و بین‌المللی) از مردم محلی در کنار عاملان و کارگزاران حرفه‌ای دارای اولویت است.

همچنین از آنجایی که مطابق نتایج این مطالعه، وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در کشور، هم به صورت بخشی (در بین ابعاد مختلف آن) و هم به صورت منطقه‌ای (در بین استان‌های کشور) مسئله‌مند بوده و در بحث دسترسی و بهره‌مندی از منابع، امکانات و خدمات (شاخص‌های عینی توسعه اجتماعی) به دلیل گفتمان موجود در اقدامات توسعه‌ای کشور (سیاست‌های توزیعی) با مسئله شکاف و نابرابری روبرو هستیم، ادامه روند کنونی و حتی فراتر از آن، با تزریق و تخصیص سهمی بیش از سهم کنونی به آن با هدف کاهش بی‌عدالتی توزیعی و فقر، به تشدید این شکاف و نابرابری‌ها می‌انجامد. از این‌رو مطابق با نتایج به‌دست آمده در این پژوهش که حاکی از متأثر بودن سطح توسعه اجتماعی کشور از شاخص‌های عینی (مرتبط با شاخص‌های عدالت و کیفیت زندگی) بوده و همچنین از آنجایی که برقراری سطح مورد قبول توسعه اجتماعی در مرحله اول نیازمند کاهش نابرابری‌های یاد

^۱ practice strategy

شده و استقرار شرایط و فرصت‌های حداقلی برای پاسخگویی به نیازهای اساسی می‌باشد، باید برنامه‌ها و طرح‌های مداخله‌ای مبتنی بر شواهد و نتایج مطالعات این چنینی طراحی و اجرا گردند.

References:

Abdulahi, M. (1999). "Social development from the perspective of today's sociology. Proceedings of the Social Development Conference", pp. 215-249, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).

Abdulahi, M. (2005). "The concept of social development. Proceedings of the Conference on Policies and Management of Growth and Development Programs in Iran", Vol. 3rd Tehran: Higher Institute of Management and Planning Education and Research. (Persian).

Abdulahi, M. (2005). The concept of social development. Proceedings of the Conference on Policies and Management of Growth and Development Programs in Iran (3rd volume). Tehran: Higher Institute of Management and Planning Education and Research. (Persian).

Akbari, G. (1999). "The current state of Iranian society in terms of social development indicators", Proceedings of the Social Development Conference (pp. 29-50). Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).

Alizad, A. (2014). Reflection of social development in the development programs of the Islamic Republic of Iran (first to fifth programs), Social Sciences Quarterly, Year 25, No. 70, 124-159. (Persian).

Aspalter, C., & Singh, S. (2008). Debating social development: an introduction. In s. singh, & c. aspalter, debating social development (pp. 1-10), manchester: casa verde.

Azad Aramaki, T., Mubaraki, M., Shahbazi, Z. (2011). "Identifying and examining the practical indicators of social development (with an emphasis on the Delphi method)", Scientific and research quarterly of social and cultural development studies, first year, No. 1-23. (Persian).

Azkiya, M. and Ziarati, S. (2001). "Poverty, vulnerability and social development with emphasis on the rural society of Iran", Proceedings of the Social Development Conference (pp. 51-69). Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).

- Azkiya, M., Ghaffari, G. (2005). *Sociology of development*. Tehran: Kahan. (Persian).
- Bukharai, A. (2001). *Micro and macro view of social development*. Proceedings of the Social Development Conference (pp. 1-12). Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).
- Creswell, J. W. (2007). *Research design: qualitative. quantitative and mixed methods approaches*.
- Davsi, G. (2004). *A History of the Social Development Network in The World Bank, 1973-2002*. Washington, DC: word bank.
- Estes, R. (2001). *Social welfare and social development : partner or competitor*. Pennsylvania: university of Pennsylvania.
- Firozabadi, A., Hosseini, R. and Ghasemi, R. (2010). *Studying the indicators and ranking of social development in the provinces of the country and its relationship with social capital*. 10th Year Social Welfare Quarterly 57-93. (Persian).
- Frank, A. (1980). *Sociology of development and underdevelopment of sociology*, (M. Senajian) Tehran: Sharif University of Technology Press. (Persian).
- Frank, A. G. (1967). *Capitalism and Underdevelopment in Latin America*. New York: Monthly Review Press.
- Ganei Rad, M. (2005). "Social development approach to poverty alleviation programs in Iran", *Social welfare quarterly*, fifth year, number 18, 1-34. (Persian).
- Ghaffari, Gha and Omid, R. (2008). *Quality of life index of social development*, Tehran: Shiraz. (Persian).
- Ghasemi, R.; Kamran, R. (2006). "Investigation of social development indicators and its stratification in Isfahan province", *Social Welfare Quarterly*, Vol. 6, No. 23, 248-225. (Persian).
- Gholampour Ahangar, A. (without). *Social development at a glance*. Tehran: Office of Political Studies. (Persian).
- Griffin, K. (1974). *The Political Economy Agrarian Change*. Cambridge: Harvard University Press.
- Gui, D. (1992). "Investigating the human and social indicators of development", *The Village and Development of Jihad Construction Magazine*, No. 4. (Persian).

- Hariri Akbari, M. (2002). "Social Development: From Weber to Habermas", Proceedings of the Social Development Conference, pp. 131-148, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).
- holister, C. (1977). Social work skills for social development. social development issues 1, 9-16.
- Iranian Students' Opinion Survey Center (2016). The situation of Iran in the social progress index report 2016-2014, Tehran: Academic Jihad. (Persian).
- Kalantari, A. (2013). Social development, global perspective and the situation of Iran, Tehran: Tehran University Press. (Persian).
- Kalantari, Kh. (2011). Quantitative models in planning (regional, urban and rural) Tehran: Farhang Saba. (Persian).
- Lashkari, M. (1998). "Social welfare indicators", Specialized monthly political and economic information number 131-132. (Persian).
- Lewis, O. (1966). The Culture of Poverty. Scientific American, 19-25.
- Lipton, M. (1977). Why Poor People stay Poor. London: Temple Smith.
- Madani, S. (2014). Social Development. Tehran: Reflection Publications. (Persian).
- Mejli, J. (2018). Social development of theory and practice. (S. Firouzabadi, and H. Dabaghi, translator) Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).
- Miah, M. (2008). social development. In m. T, & d. I, encyclopedia of social work (pp. 38-41). new york: oxford university press.
- Midgley, J. (1995). Social Development: The Developmental Perspective in Social Welfare. Lonon: sage.
- Migdely, D. (2014). Social development : theory & peractice, sage. poblication pub.
- Mobaraki, M., Shahbazi, Z.; and Mostafavi, N. (2018). Investigating the status of social development indicators in the provinces of the country. Tehran: University Jihad by order of the country's budget program organization. (Persian).

Mousavi, A. & et. al. (2015). "Dimensions and components of social development in development programs", *Social welfare quarterly*, year 16, No. 63, 55-88. (Persian).

Mubaraki, M. and Shahbazi, Z. (2013-2014). Investigating the status of social development indicators in the cities of the central province. Arak: Central Governorate. (Persian).

Myrdal, G. (1970). *the challenge of world poverty*. harmondsworth : panguin.

Nazari, M. (1998). The characteristics of labor market evolution in the last four decades of 1956-1978, *Specialized monthly political and economic information number* 131-132. (Persian).

Nili, M. (2011). "Mechanisms of realizing social justice in Iran", *International Market Year* 3, No. 13, 26-30. (Persian).

Noblit, G., & Hare, R. (1998). *Meta ethnography : synthesizing qualitative studies*. london: sage.

omer, S. (1979). *social development . international social work* 22, 11-26.

paiva, F. (1977). A conception of social development. *social service review* 51, 327-336.

pandey, R. (1981). Strategies for social development. In J. J. & p. r, *social development: conceptual, methodological and policy* (pp. 33-49). new york: ST martin press.

Piran, P. (2005). *Globalization and social development. Policies and management of growth and development programs in Iran*. Tehran: Management and Planning Education and Research Institute. (Persian).

Rahnema, M., & Bawtree, V. (1997). *The Pose- Development Reader*. New York: Zed Books.

Roberto & Jeffery, F. C. (2016). *Methodology of the Indices of Social Development*. World Bank, pp. 1-70.

seers, D. (1969). The meaning of development. *international development review* 11(4), 1-6.

Seers, D. (1969). The Meaning of Development. *International Development Review*, 1-6.

Shamedani Haq, A. (2001). "Methodological dimensions of social development (quantitative and qualitative indicators)",

Proceedings of the Social Development Conference, pp. 249-276, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).

Smith, d. (1979). where the grass is greener living in an unequal world. penguin.

spergel, O. (1978). social development and social work. In s. s, social administration (pp. 24-35). new york: howorth press.

Titmuss, R. M. (1968). Commitment to Welfar. London: Allen & Unwin.

UN. (June 2000). Achieving social development in a globalizing world., (pp. 26-30). Geneva-witzerland.

World Bank. (1975). The Assault on Poverty. Baltimor: Johans Hopkins Univercity Press.

Investigating the Situation of Social Development in the Provinces of the Country

Mehdi Mobaraki (Ph.D)¹, Zohreh Shahbazi (Ph.D)²
Najmehsadat Mostafavi³

DOI: 10.22055/QJSD.2023.36524.2390

Abstract:

Complexity and value judgments in social development have caused its model to appear ambiguous and distorted in many cases among experts. The absence of reliable and consensus social development has made monitoring a country's social development process challenging. Besides, there is also a controversy over the reasons for choosing its social development. No clear definition of agreed-upon social development indicators to recognize the situation in time series has made the failure to evaluate programs and functions of institutions in charge a challenge for advancement in social development. The present study aims to achieve precise and agreed-upon definitions and situations of social development indicators according to the Iranian structural characteristics. As a result, the definitions of social development indicators were determined concerning the local conditions of Iranian society. While being close to international standards, the indicators made provincial, national, and international comparability possible and fixed the existing defects with their evolutionary features. The study employed exploratory sequential mixed methods instrument development design developed by Creswell and Plano Clark. First, international and domestic documents and reports on social development were examined, classified, and validated using the Delphi technique using Noblit and Hare's meta-synthesis technique. Then, 107 indices were obtained through indexing, each evaluated and measured by secondary analysis in all Iranian provinces. As the results show, the mean scores of 19 provinces are lower than the national mean score. The distance between upper and lower provinces is significant in terms of average social development, and the pattern of social development in Iran is macrocephaly.

Key Concepts: *Social Development, Social Justice, Quality of Life, Social Security, Social Capital*

¹ Academic staff member of the Social Development Research Group of Academic Jihad, Central Province Branch, Arak, Iran, mobaraki@acecr.ac.ir

² Academic staff member of the Social Development Research Group of Academic Jihad, Central Province Branch, Arak, Iran (Corresponding Author), shahbazi@acecr.ac.ir

³ Ph.D student and member of the research group of social development of academic Jihad branch of central province, Arak, Iran, mostafavi@acecr.ac.ir

